

پیام بھائی

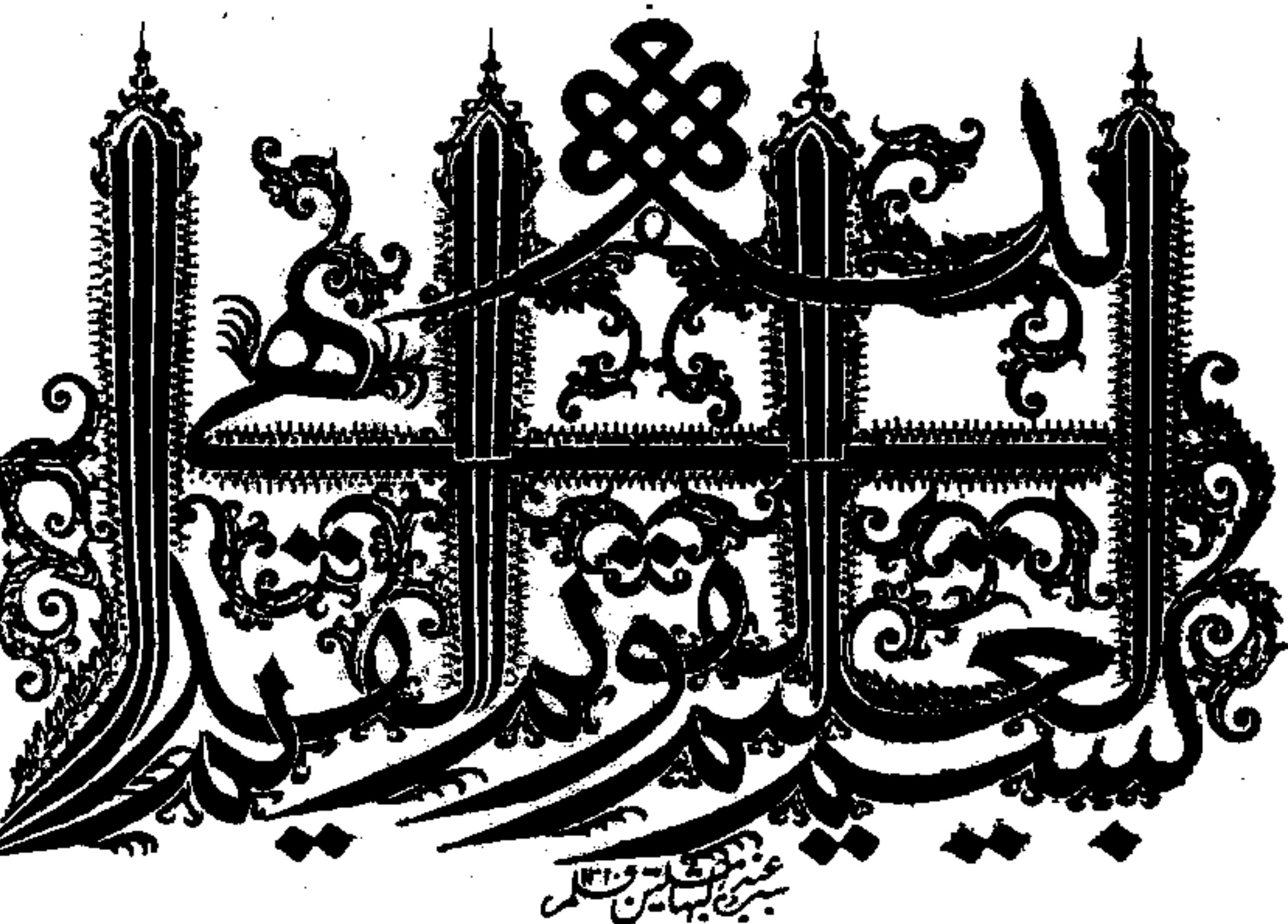
شماره ۱۲۰

اکتبر ۱۹۸۹



فهرست مندرجات:

- ۱- از آثار مبارکه
- ۲- موهبت هجرت و توفیق در هدایت
- ۳- تاریخ امر در قبرس
- ۴- حقوق الله
- ۵- شعر: عهد و میثاق؛ ماکو؛ سودای عشق؛ عاشقان با وفا
- ۶- اخبار و بشارات جامعه جهانی بهائی.
- ۷- نامه های رسیده
- ۸- تقویم ماه



شرح عکس پشت جلد

در دیار خط شه صاحب قلم

بنده باب و بهاء مشکین قلم

در این شماره مقاله ای داریم از تاریخ امر مبارک در جزیره قبرس و اشاره ای به نخستین بهائیان که بصورت تبعید متجاوز از یکصد سال پیش به این جزیره فرستاده شدند. مشکین قلم یکی از آنان بود. مشکین قلم که نامش میرزا حسین بود، بنا بقول جناب بالیوزی مؤلف ارجمند کتاب بهائیان سرشناس، آنچه را که در ایران قرن نوزدهم بهترین و عالیترین فضائل بشمار می آمد دارا بود: طبع شعر، قریحه ای سرشار، کلام و سخنی پر از ذوق و نکته دانی و سخن سنجی بحد کمال. اما آنچه که به آن مشهور بود و او را میهمان گرامی دربار ها و محافل سرشناسان میکرد هنر خطاطی بی نظیر او بود. قبل از آنکه در بغداد از نبیل اعظم و زین المقربین در مورد ظهور بشنود و ایمان آورد به طریقه صوفی نعمت الهی بستگی داشت، از بغداد به ایران بازنگشت بلکه عازم کوی جانان در ادرنه گردید. هنگام سرگونی حضرت بهاء الله و همراهان به عکا، مشکین قلم و سه تن دیگر همراه با ازل به قبرس تبعید شدند. سرانجام در سال ۱۸۸۶ آزاد شد و توانست خود را به عکا برساند و در جوار محبوب عالمیان ساکن گردد. بعد از صعود حضرت بهاء الله وی عازم مصر و دمشق و هند گردید. در سال ۱۹۰۵ حضرت عبدالبهاء که از ضعف و کهنولت وی آگاه شده بودند مشکین قلم را به ارض اقدس فرا خواندند و وی در همانجا در سال ۱۹۱۲ صعود نمود. خطوط و قطعات متعددی از آثار خطاطی وی در دست است که پای برخی شعر بالای این شرح را بجای امضاء مینگاشته. طرح قطعه یا بهاءالابهی نیز از اوست.

"PAYÁM-I BAHÁ'Í"

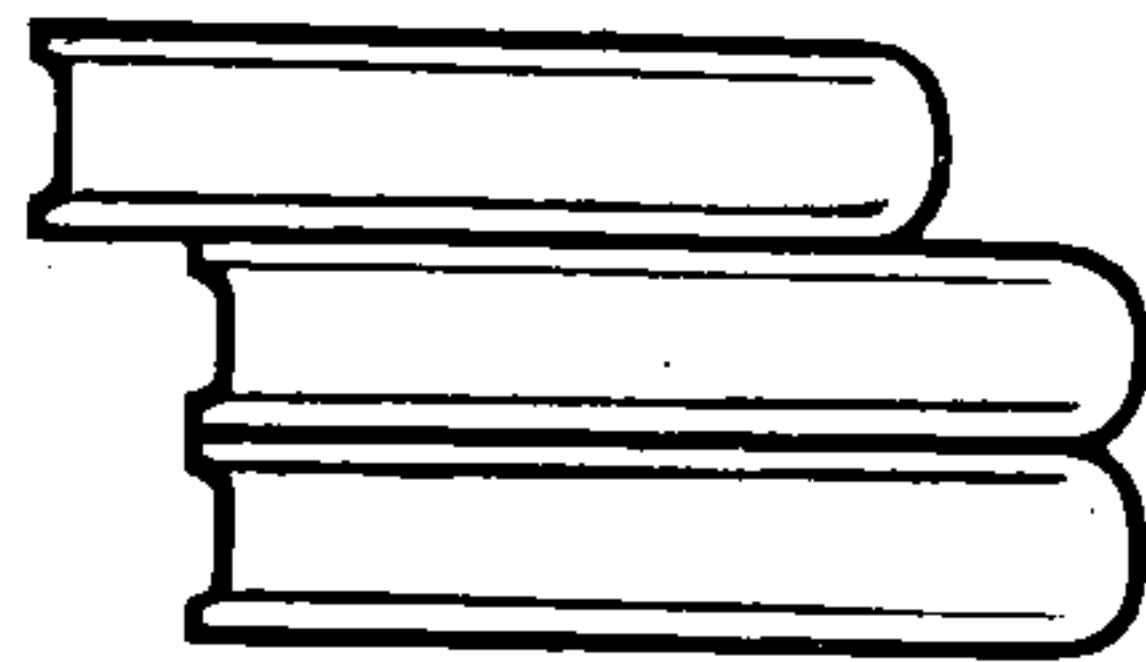
Supplément de "BAHÁ'Í FRANCE"

Publié par l'Assemblée Spirituelle Nationale des Bahá'is de France.

پیام بهائی

نشریه ماهانه فصل روحانی ملی فرانسه
برای بهائیان ایرانی مقیم ممالک

از آثار مبارکه



نصوص مبارکه درباره لزوم و اهمیت سرور و شادی *

- در کلمات مبارکه مکنونه چنین آمده است : یا ابن الانسان افرح بسرور قلبک لکنون قابلاً للقائی و مرآتاً لجمالک
- در کتاب مستطاب اقدس مسطور : افرحوا بفرح اسمی الاعظم الذی به تولدت الافدة و انجذبت عقول المقربین
- و در لوح طب فرموده اند : اجنب الهم والغم بهما يحدث بلاء ادهم .
- و قوله الاعلی : یا علی علیک سلام الله و عنایتہ . ذکر اول آنکه باید در جمیع احوال به شرح و نشاط و نشاط باشی و ظهور این مقام محال بوده و هست مگر به ذیل توکل کامل توکل نمائی . نیست شغای اُمم و فی تحقیقه دریا اعظم است از برای انواع و اقسام هموم و غموم و کدورات و توکل حاصل نشود مگر به ایتقان . مقام ایتقان اثر است و ثمره .
- و قوله الحق : حق منبع شایه و گواه است اگر فی الجمله تفکر در عنایات الهیه نمایند هر که محزون نشوند و خود را هموم نمایند .

از حضرت عبدالجبار در سفرنامه امریکا نقل شده است :
 تو باید همیشه سرور باشی و با اهل انبساط و سرور مشغور و به اخلاق رحمانی متخلق زیرا سرور مدیخت
 در خط صحت دارد و از کدورت تولد امراض میشود . آنچه مایه سرور دایمی است روحانیت است و اخلاق
 رحمانی که عزنی در پی ندارد اما سرور جسمانی در تحت هزار گونه تغیر و تبدیل است .
 و قوله المحبوب : همیشه مایه سرور قلوب گردید زیرا بهترین انسان کسی است که قلوب را به سرور آرد
 و خاطری نیازارد و بدترین نفوس نفسی است که قلوب را مکرر نماید و سبب عزن مردمان شود . همیشه

بکوشید که نفوس را مسرور نماید و قلوب را شادمان کنید تا بتواند سبب هدایت خلق گردید
و اعلان کلمه الله و نشر نجات نماید

و قوله العزيز : همیشه خوش خبر باشید اخبار خوش را همیشه زود منتشر نماید و سبب سرور
انتباه قلوب گردید اما اگر به جهت نفسی پیام و خبر بدی داشته باشید در ابلاغ و مذاکره آن عجله ننمایید
و سبب حزن طرف مقابل نشوید من وقتی خبر بدی را برای شخصی دارم صریحاً به او نمیگویم بلکه نوعی با
اوصفت میکنم که چون آن خبر را میشنود صحبت من مایه تسلی او میگردد .

و در خطابات مبارکه (۱- ۱۹۷) مذکور : وقت سرور روح انسان در پرواز است جمیع قوا
انسان قوت میگیرد و قوه فکر به زیاد میشود قوه ادراک شدید میگردد قوت عقل در جمیع مراتب بر
نماید و احاطه به حقایق اشیا میکند اما وقتی که حزن بر انسان مستولی شود محمود میشود جمیع قوی ضعیف
میگردد ادراک کم میشود تفکر نمی ماند تدقیق در حقایق اشیا نمیتواند خواص اشیا را کشف نمیکند
مثل مُرده میشود ... قوای روحانیه بسبب مشقت و کدورت انسان نمیگردد اگر حرنی برای انسان حاصل شود
از مادیات است ... یأس و نومیدی از نیایج عالم طبیعت است ... چون این حسرت از مادیات
حاصل میشود چاره ای نیست جز آنکه رجوع به روحانیات کنیم وقتی که از مادیات نهایت دلنگی حاصل
گردد انسان توجه به روحانیات میکند زائل میشود انسان وقتی در نهایت مشقت ، نهایت یأس می افتد
چون به خاطر آید خدای مهربان دارد مسرور میشود .

- و در مکاتیب عبدالبهاء ، ۵ - صفحه ۲۲۵ چنین مسطور : رشت جناب میرزا آقای حکیم علی بهاء
ای حکیم حلیم بیمار را به روح و ریحان معالجه نماید تا توانی دل و جان شادمان کن به سرور
روحانی امراض و علل بی پایان را ندای ممکن ، زیرا قلب چون فرج یابد تاثری عظیم در جسم و تن نماید
و طبیب به تفریح و تبشیر و تسهیر روحانی علاج عظیم تواند .

موهبت هجرت و توفیق در هدایت داستان ابراهیم چلبی

مهندس نصره الله مجذوب

بوده و عبارتند از:

اول: هجرت از هوای نفس خودپرست و سرکوب نمودن هوس بیجا و مقهور ساختن امیال و آرزوهای بی معنی و بیجاست و چون شخص موفق گردید لجام بر سر اسب سرکش زند و هوی و هوس را بقید و بند آورد و در سبیل الهی با توجه قلبی آغاز گفتار نماید البته کلامش مؤثر بوده طالب صادق را هدایت خواهد نمود.

در این باره آیات بسیار نازل گردیده و جمیع در آثار و الواح ظهور اعظم الهی مسطور است. در اینجا بذکر چند نص اکتفا مینمائیم طالبین میتوانند بالواح الهیه مراجعه فرمایند و شواهد بسیار مکشوف و استخراج نموده مورد استناد و استفاده قرار دهند.

جمال اقدس ابهی در لوح جناب ورقا میفرمایند:

"تأثیر کلمه از تقدیس نفس بوده وهست (انتهی)" وحضرت عبدالبهاء جل ثنائه بمناسبتی در شرح احوال ملاعلی اکبر ایادی میفرمایند قوله الاحلی: "مبلغ باید که بدایت خود را تبلیغ کند پس دیگران را اگر خود در منهج شهوت سالک چگونه میتواند بآیات بینات هدایت کند." (صفحه ۲۱ کتاب تذکرةالوفا)

آنچه ما اهل بهاء از موهبت هجرت و یافتن سعادت در هدایت نفوس شنیده ایم و یا خوانده ایم مطالبی است که بزبان گفته اند و یا بر کاغذ نوشته اند و حلاوت مضامین آن هنگامی مذاق جان را شیرین میسازد که پای عمل در میان باشد و شخص برای تحصیل رضای حق قیام به هجرت نماید و در محل هجرت زبان به تبلیغ گشاید و با عمل صحیح تأیید یافته و توفیق حاصل نموده باشد. باین معنی که در اجرای کامل تعالیم الهی از خلوص نیت و پاکی طینت و حسن رفتار و خوبی کردار و حفظ خویش از شرور نفس اماره چیزی فروگذار ننموده باشد تا گفتارش طبق کردار بوده تأثیر بخشد و سبب ایمان نفوس طالبه لایقه گردد.

حضرت بهاء الله جل جلاله در لوح سلطان ایران میفرمایند:

"هر نفسی که اراده نصرت نماید باید اول بسیف معانی و بیان مدینه قلب خود را تصرف نماید و از ذکر ماسوی الله محفوظ دارد و بعد بمدائن قلوب توجه کند اینست مقصود از نصرت" (صفحه ۱۲۰ مقاله شخص سیاح)

بنابر این امر اصیل مهاجرت بر دو پایه استوار است و این دو اصل لازم و ملزوم یکدیگر

علاوه بر این مضامین در آثار مقدسه مطالب بسیاری بمفهوم زیر نازل گشته که اول خود از جام تعالیم الهی بنوشید تا گفتارتان مؤید و مؤثر شود و قادر شوید بدیگران بنوشانید و وسیله هدایت آنان گردید.

دوم: نوع دیگر هجرت برهم زدن خانه و کاشانه است و ترك سرو سامان است و نقل مکان و هجرت از اوطان است که چون با هجرت از نفس خودخواه و سرکوب نمودن هوی و هوس بیجا توأم گردد نتایج حسنه ببار آرد و سبب ایمان طالبین گشته رضای الهی فراهم میگردد.

حضرت عبدالبهاء جل ثنائه در الواح متعدده بیان فرموده اند که امر هجرت قدیم است و از قبل در زمان هر يك از مظاهر قدسیه الهیه سبب ترقی و پیشرفت عالم انسانی شده بود. اما در ظهور اعظم الهی تأثیرش شدید تر و پیشرفت و ترقیش در عالم بشریت بیشتر و عظیم تر از گذشته خواهد بوده و جمال اقدس ابهی این فضل و موهبت را باحبای الهی عنایت فرموده اند و نصیب عاملین و مجریان را پاداش بیکران و اجر الهی مقرر داشته اند. چنانچه در لوحی خطاب بجناب نبیل میفرمایند قوله تعالی:

"انك انت يا نبیل فاعلم بان الذين خرجوا من اماكنهم و دیارهم مهاجراً الى الله فقد وقع اجرهم على الله وان هذا بشارة لك وللذينهم كانوا

الى یمین القدس لمن القاصدين."

(صفحه ۱۹۷ جلد ۷ مجموعه الواح مبارکه

محفوظ داشتنی)

و نیز مرکز میثاق بهاء حضرت عبدالبهاء جل ثنائه برای کسب موفقیت و شمول تأیید مهاجرین چنین مناجات و دعا فرموده اند:

هوالبهی

الهی الهی هولاء عباد، هاجروا الاوطان و ترکوا الاهل و الخلان (۱) الی ان سکنوا فی القرية باعه من الاخذان (۲) و لاخوان طلباً لرضائک و تهجداً فی حبک و راجیاً لمرضاتک و منجذباً بنفحاتک.

الهی الهی قدر لهم خیر و ادفع عنهم کل ضیر (۳) و قد سهم عن کل شین (۴) و اجعلهم عباداً مکرمین و ارقاءً مخلصین ثابتین علی امرک و راسخین علی عهدک مستقیمین فی حبک ناطقین بثنائک محفوظین عن غیرک محروسین فی ظلك انت الحافظ الحارس المقتدر العزیز ع

آیات جمال اقدس ابهی و تبیینات و دعا و مناجات حضرت عبدالبهاء جل ثنائه در آفاق و انفس تأثیری شدید نمود و در گوشه و کنار عالم در اجرای امر اصیل مهاجرت نفوس مبارکی مبعوث و شناخته شدند که هر يك جوهر خلوص و تقوی و پرهیزکاری و انقطاع و دارنده نهایت ایمان بودند و در خدمت امر الهی بقیامی عاشقانه مؤید و موفق گردیدند.

از جمله در حدود سنه ۱۹۵۱ میلادی هنگامیکه

۱ - خلان جمع خلیل : دوستان

۲ - اخدان : همسالان و یاران

۳ - ضیر: ضررها

۴ - شین: عیب و زشتی

در کشور ترکیه تشکیلات امر بهائی شروع بفعالیت نمود در آق سرای قونیه (کنیای حالیه) نفس مبارکی ساکن بود بنام ابراهیم چلبی* که مختصری از شرح احوال و عکس وی در صفحه ۳۲۵۴ جلد چهاردهم عالم بهائی درج شده است.

نامبرده در سال ۱۸۷۹ در سلیمانیه عراق تولد شده و هنوز طفل صغیری بود که ابوینش وفات نمودند. در سال ۱۹۰۰ به ترکیه رفت و در یک مدرسه قدیمی تحصیل نمود. در سال ۱۹۱۰ ساکن آق سرای قونیه گردید در این دوره برادرش از قاهره بملاقات وی آمد و سبب هدایت او بدیانت بهائی گشت.

جناب چلبی ابتدا وارد امور تجارتي گردید و بعد مدت سی و پنج سال بعنوان واعظ و مؤمن بجامعه اسلامی خدمت نمود. در حدود سال ۱۹۵۱ هنگامیکه تشکیلات بهائی در این قسمت از عالم شروع بفعالیت نمود جناب چلبی از آن موقعیت روحانی مذکوره در فوق کناره گیری نمود و رسماً خود را بنام بهائی تسجیل نمود و بخدمت تبلیغ و تشکیلات دیانت حضرت بهاءالله درآمد.

فعالیت تبلیغی جناب چلبی در ناحیه قونیه و آق سرای بوده و عده زیادی از بهائیان آن ناحیه اولادان روحانی وی هستند. در سال ۱۹۵۵ وی مهاجر ارضروم گردید و یک خانواده هشت نفری را تبلیغ نمود که اکنون همه در سایه امرالله

مستریچند.

در سال ۱۹۵۷ جناب چلبی مهاجر ادرنه گردید و بعنوان عضو محفل روحانی و نیز نگهبان و حافظ بیت مبارک حضرت بهاءالله در آنجا خدمت نمود. در ادرنه عنوان مبلغ سیار یافت و بملاقات بهائیان مراکز دیگر شتافت و همه احباء از او مستفید گردیدند.

در سال ۱۹۶۳ جناب چلبی در حدود ۸۴ سالگی بملکوت ابهی صعود نمود. کثیری از احباء و علاقمندان او بشدت سوگوار گشتند. از وی سه اولاد باقی ماند که همه در ظل امرالهی هستند و بمانند پدر بزرگوار خویش بخدمت امرالله قائمند.

مطالبی که ذکر گردید مفهوم شرح مختصری از احوال جناب ابراهیم چلبی بود که در جلد چهاردهم عالم بهائی درج شده است. اما آشنائی به خصائص اخلاقی وی خصوصاً روش تبلیغی که بکار میبرد نیز شایان توجه بوده و شخصیت عالی او را بهتر روشن و مجسم میسازد. بنوعیکه منسوبان وی تقریر نموده اند جناب چلبی مردی خیر اندیش و متقی و پرهیزکار و بمعونه خویش قانع بود. مقتصدانه مصرف مینمود و بسادگی زندگانی را ادامه میداد و جائز نمیدانست در وجوه دیگری که بهر عنوان از قبیل تبرعات و خیرات و مبرات برای امورات و انواع دیگر بدستش میرسید تصرف نماید. بلکه این وجوه را جمع آوری نموده در امور عام المنفعه مصرف مینمود. از جمله برای

* چلبی کلمه ترکی بمعنی کاتب یا نویسنده منشی است. خانواده چلبی در قونیه قرآنی قدیمی بزبان عربی داشتند و اسامی نیاکانشان پدر بر پدر در پشت جلد آن قرآن نوشته شده بود. متأسفانه هنگامیکه زبان ترکی را بحروف لاتین تبدیل نمودند آن قرآن فروخته و با قرآنی بخط لاتین معاوضه گردید و آن مرقومات و شجره از دست این خانواده خارج شد و با وجود آنکه هم اکنون روح عرفانی در بسیاری از افراد این خانواده مشهود و ملحوظ است نمیتوان کاملاً یقین نمود که ابراهیم چلبی و بستگانش از سلاله حسام الدین چلبی آخرین مؤنس و صاحب مولوی صاحب مثنوی میباشند.

مسجد شهرستان تاش پینار Taschpinaer دومناره ساخت که هنوز باقی است و برای گورستان آن شهرستان دیوار کشی نمود که نهایت لزوم داشت و آنرا محفوظ و مصون داشت و بسیار امور عام المنفعه دیگر انجام داد که خارج از بحث ماست و از آنها میگذریم.

هنگامیکه تشکیلات امری ترکیه در صدد اجرای امر مهاجرت داخله برآمدند و جناب چلبی و جمعی از احبای الهی را باسلامبول دعوت نموده بودند، مشارالیه پیاده خود را بمحل جلسه رسانیده بود و احتراماً موزه ها از پای بدر آورده در کنار خورجین خود در گوشه ای نهاده وارد تالار جلسه مزبور گشته بود. در آن جلسه نورانی بعد از ادای دعا و مناجات و عرض خیر مقدم علی الرسم ناطق علت دعوت و تشکیل آن جلسه و منویات محفل مقدس ملی را چنین بیان نموده بود: "مراد از هجرت نه فقط توطن و اختیار سکونت در بلاد دیگر است بلکه قیام بجمیع شرایط تبلیغ است تا نفحات طیبه الهیه در مدائن جدید نیز منتشر شود و طالبین قرب و قدس حضرت احدیت آگاه گشته اقبال نمایند. در اجرای امر اصیل مهاجرت تاکنون در عالم بهائیت صدها بلکه هزاران نفوس زکیه ترك خانه و وطن نموده بدیار غربت توجه نموده اند و هر يك بقدر ظرفیت خود و میزان فعالیت خویش تأنید و توفیق یافته اند و در وطن جدید بامر مهم تبلیغ پرداخته اند. چه که غرض اصلی از مهاجرت انتشار نفحات قدسیه ظهور اعظم الهی باطراف و اکناف عالم انسانی بوده و غرض از تبلیغ ازدیاد مؤمنین و مؤمنات و ایجاد مراکز امری و محافل روحانی محلی است، و چه بسا مهاجرین که بهر سه موهبت نائل شده اند

هم مهاجرت کردند و هم بذکر حق مشغول گشته تبلیغ نمودند و هم حروفات مفرده را کلمات تامات نموده محفل روحانی تشکیل دادند.

جمال اقدس ابهی در لوح عندلیب میفرمایند
قوله تعالی:

"امروز باید اولیاء بخدمت امر مشغول باشند و خدمت تبلیغ است آنهم بحکمت و بیان. از حق میطلبیم شما را تأنید فرماید و مدد نماید بر آنچه سزاوار یوم اوست."

(صفحه ۱۶۶ مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر)

و در شرایط تبلیغ میفرمایند. قوله تعالی:

"و من اراد ان یتبلیغ له ان ینقطع عن الدنیا و یجعل همه نصره الامر فی کل الاحوال هذا ما قدر فی لوح حفیظ و اذا اراد الخروج من وطنه لا مر به یجعل زاده التوکل علی الله و لباسه التقوی کذاک قدر من لدی الله العزیز الحمید اذا اشتعل بنار الحب و زین بطراز الانقطاع تشتعل بذکره العباد ان ربك لهو العلیم الخبیر."

(صفحه ۳۸۸ مبین)

باری در جلسه مزبور بعد از تلاوت آیات و ادای نطق سؤال از امکانات حاضرین نمودند بعضی از مدعوین که مختصر موانعی داشتند فرصتی خواستند که رفع موانع نموده آماده گشته بسوی محل هجرت عزیمت نمایند.

اما در آن جمع جناب چلبی قیام نمود و فرمود من آماده هستم شما بفرمائید بکدام شهر باید بروم تا هم اکنون عزیمت نمایم. از زاد و راحله اش سوال نمودند، فرمود موزه هایم در کنار خورجینم بیرون جلسه است برداشته حرکت میکنم، معلوم و واضح گردید جنابش مصداق لوح مبارک فوق است. جز توکل بجمال اقدس ابهی و

توسل بذیل حضرت کبریا زاد و راحله دیگر ندارد.

چون ارضروم هنوز فتح روحانی نشده بود و در آن شهر بهائی ساکن نبود همان مدینه محل هجرت جناب چلبی قرار گرفت و چون خواستند در عزیمت بآن مدینه راحت وی را در نظر بگیرند و مخارج سفر بپردازند جنابش با استغنائی طبع عالی و عدم قبول کمک مالی قدم در راه سفر گذاشت و همان موقع بسوی مدینه ارضروم رهسپار گردید. البته تقوی و پرهیزکاری و اطاعت محضه این نفس نفیس از تشکیلات امری خصوصاً استغنائی طبع کم نظیرش شایسته است که سرمشق رفتار و گفتار و کردار جوانان عزیز ما قرار گیرد.

چندی بعد که جناب روحی روشنی از زیارت اعتاب مقدسه و حضرت ولی امرالله بطهران بازگشت در انجمن شور مبلغین خاطره خود را از ملاقات و روش تبلیغ جناب چلبی چنین بیان نمود: که چون بارضروم رسیدم پرسان پرسان منزل و مأوای خادم امرالله را یافتم. وی در زیر زمین بنای بزرگی اطاق کوچککی داشت و بقناعت زندگی مینمود و وسائل زندگانش از يك تختخواب چوبی و يك تخته پوست گاو بعنوان قالی و مختصر وسائل طبخ و تهیه چای تجاوز نمینمود. چون باو رسیدم تنگ مرا در آغوش خود گرفت و مانند تشنه ای که بآب گوارا رسیده باشد مصافحه و معانقه نمود، خواستم در نزديك مسکن او اطاقی در میهمانخانه ای بگیرم مانع شد و شبانگاه پس از صرف شام، تخت چوبی را باصرار تمام بمن واگذاشت و خود روی آن پوست استراحت نمود. صبح فردا پس از ادای وظیفه عبادتی و

صرف صبحانه فرمود حال برای تبلیغ به خیابان میرویم در راه هر کس که از کنار ما میگذشت بکنجکاوی در او نظر میکرد و آهسته نظر خود را بمن میفرمود یکی را گفت این درك نمی کند، دیگری را گفت اصلاً بدرد نمیخورد، سومی را گفت این در عالم دین و مذهب نیست و بعدی را فرمود صحبت باو گهر بسنگ زدن است نمی ارزد. خلاصه بهمین قسم پیش می رفتیم تا بمغازه ای رسیدیم در پشت شیشه نظرش بدو نفر افتاد که با یکدیگر گفتگو مینمودند. توقف نمود. گاهی بیکی و گاهی بدیگری نگریست. ناگهان حالت وجد و سروری یافت. رو بمن نموده گفت شکار خود را یافتم و چون وارد مغازه شدیم یکسر بسوی آن دو نفر رفت و روبیکی از آن دو نمود و فرمود: من که اینجا آمده ام با شخص شما کاری واجب و خصوصی دارم اگر فرصت دارید همراه من تشریف بیاورید تا عرض نمایم. گونی او را سحر و جادو کرده باشد. آن مرد در پی ما روان شد تا در پارك آن نزدیکی روی نیمکتی نشستیم. بآرامی و زبان لین شروع بصحبت نموده گفت گوهری در دل دارم و بدلم افتاد خریدارش شما هستید حیقم آمد بی بهره بمانید، شما را اینجا آوردم تا از آن گوهر با شما گفتگو نمایم انشالله مورد پسند شما خواهد بود و دنیا و آخرت شما را تأمین خواهد نمود. پس بمحبت آغان مطلب نمود هنوز نیمساعت نگذشته بود که آن شخص اظهار ایمان نمود.

جناب روشنی فرمود من از این واقعه دهانم باز ماند که چگونه او را شناخت و بچه سرعت موفق شد او را تبلیغ نماید و نتیجه گرفت. این واقعه برای نگارنده این سطور نیز تازگی داشت و

تاریخ امر

تاریخ امر در قبرس

از: کلوریا تسلیمی (شریفی)

قبرس جزیره کوچکی است در گوشه شمال شرقی دریای مدیترانه بمساحت ۳۵۷۲ مایل مربع و در میان سه قاره اروپا و آسیا و آفریقا قرار دارد. از طرف شمال با ترکیه (۴۰ مایل فاصله) از طرف شرق با سوریه (۶۰ مایل فاصله) از جنوب با مصر (۲۵۰ مایل فاصله) و از طرف غرب با یونان (۳۰۰ مایل فاصله) محدود است.

بعثت وضع خاص طبیعی و جغرافیائی، تاریخ ۸۰۰ ساله ملوک الطوائفی این سرزمین همیشه آمیخته با هزاران تلاطم بوده است. در تمام ادوار تاریخی خود این مملکت در چهار راه و محل عبور و مرور و حمله و پایگاه و قرارگاه ملل بزرگ شرق و غرب مثل دولتهای مصر، آشور، ایران و سربازان جنگهای مسلمان عثمانی از طرف شرق؛ و یونانیان، رومیان و سربازان جنگهای صلیبی از طرف غرب بوده است. چنین موقعیتی اثری فاحش در وضع اقتصادی و اجتماعی این جزیره داشته که سکونت در این جزیره را آسان نمیکرده بطوریکه وقتی سربازان مسلمان باین جزیره وارد شدند آنرا "جزیره شیطان" نامیدند.

در دوره های مختلف تاریخ این مملکت یازده مهاجم و متجاوز قدرتمند خارجی در آنجا حکمفرمائی کرده اند. آخرین دولت قوی و مقتدریکه در این جزیره حکومت کرد انگلیسها بودند که در

۱۸۷۸ قبرس را از دولت عثمانی گرفتند. بیش از یکقرن این مملکت جزء مستعمرات انگلستان بود تا آنکه در سال ۱۹۷۶ استقلال خود را بدینا اعلام کرد ولی این استقلال را با قیمت گرانبهائی که جنگهای داخلی و کشت و کشتار فراوان میان یونانیان قبرسی و ترکهای قبرسی بود بدست آورد. شورشهای داخلی بر ضد سلطه انگلیس از ۳۱-۱۹۳۰ شروع شد و در ۵۹-۱۹۵۸ به اوج خود رسید. در ۱۹۷۶ قبرس بقول خودشان مستقل شد ولی این مستعمره هم مثل بسیاری از مستعمرات محکوم سیاست دائمی "دادن استقلال و تفرقه انداختن" شد. قبرس بدو ناحیه مشخص شمال و جنوب تقسیم گردید: در قسمت شمال ترکها و در جنوب یونانیان پناهنده شدند لذا ترکهای قبرسی به شمال جزیره، و یونانیان قبرسی بطرف جنوب سرازیر گشتند. لزوم تذکر این جدائی از آنجهت است که توجه خوانندگان عزیز را بوضع اجتماعی امروزه جامعه بهائی در این جزیره معطوف دارد. با آنکه قبرس استقلال خود را بدست آورده ولی انگلیسها هنوز پایگاه نظامی در این مملکت دارند و در حال حاضر چندین هزار انگلیسی در این جزیره زندگی میکنند.

قبل از انگلیسها دولت بزرگ خارجی دیگری که

در حدود سه قرن در این جزیره حکمفرمائی کرده دولت عثمانی بوده (۱۸۷۸ - ۱۵۷۱) و جزیره قبرس یکی دیگر از تبعیدگاه های تبه کاران این دولت محسوب میشد.

احبای اولیه که وارد این جزیره شدند چهار نفر بودند که در سخت ترین موقعیت و شرایط باین جزیره آمدند. آنها چهار مؤمن همجوار حضرت بهاءالله محبوس و مسجون دولت عثمانی در ادرنه بودند. وقتیکه دولت عثمانی تصمیم بسرگونی و نفی حضرت بهاءالله از ادرنه بعکا گرفت این مظلومان را بدون انکه از سرنوشت خود آگاه باشند از محبوسیشان جدا کرده در سال ۱۸۶۸ باتفاق میرزا یحیی ناقض عهد حضرت باب و دشمن سرسخت حضرت بهاءالله بقبرس تبعید نمود. نفی و سرگونی از طرفی، و دوری از محبوب از طرف دیگر، بار سنگینی بود که تحمل آن آسان نبود و هیچکدام از این چهار نفر آرزو و هدفی جز فرار از این سرزمین نداشتند و بواقع این جزیره را جزیره شیطان یافتند در حالیکه همین جزیره برای مهاجرینی که حالا وارد آن میشوند با پلاژهای بی نظیر، کوههای زیبا و قشنگ، باغستانهای پر از انگور و زیتون و مرکبات، مردمانی نجیب و آرام، تولدگاه ونوس خدای زیبایی "جزیره بهشت" میباشد. حتی یکی از این مؤمنین عبدالغفار اصفهانی برای فرار از این جدائی طاقت خود را از دست داده و برای نجات خود از این بدبختی خود را بدریا پرتاب میکند و مرگ را از زندگی نیکوتر مییابد ولی کارکنان کشتی او را از غرق شدن نجات داده با بقیه عازم قبرس میکنند.

این نفوس مؤمن بزرگوار عبارت بودند از:

محمد باقر قهوه چی، آقا عبدالغفار اصفهانی، میرزا علی سیاح مراغه ای معروف به آدی گوزل و هنرمند خطاط مشکین قلم. سه نفر اول همراه هیکل مبارک از ادرنه با کشتی بطرف عکا حرکت میکنند و در بندر کالی پولی مشکین قلم که از زندان قسطنطنیه آزاد شده بود بآنها میپیوندد. در همین شهر است که سرنوشت این چهار مظلوم معلوم میشود.

۱ - محمد باقر قهوه چی: شروع خدمت این ستاره درخشان در آستانه جمالقدم از بغداد شروع میشود او کسی بود که تهیه چای برای حضرت بهاءالله و زائرین در بیت مبارک را بر عهده داشت و در رکاب مبارک به قسطنطنیه و از آنجا هم در جوار مبارک بادرنه رفت.

وقتیکه بامر مبارک حضرت بهاءالله بهمراه عبدالغفار اصفهانی برای فروش اسبی که بهیکل مبارک حضرت بهاءالله تقدیم شده بود بقسطنطنیه رفت ناقضین بدخواه خبر ورود او را به مأمورین دولتی دادند و مأمورین دولت او را بزندان فرستادند. میگویند مناجاتی که همراه او بود بدست پاسداران افتاد که فوق العاده از متن آنها خوششان آمده بود و از او خواستند که خود ایشان آن مناجاتها را برایشان تلاوت کند. این وجود ذیجود در تاریخ ۲۲ نوامبر ۱۸۷۲ یعنی چهار سال پس از ورودش به قبرس در شهر فاماگوستا (قبرس شمالی) فوت کرد.

۲ - آقا عبدالغفار اصفهانی: او در يك سفر تجارتي در بغداد مؤمن شد و چون ترکی را خیلی خوب میدانست در التزام رکاب حضرت بهاءالله بعنوان مترجم در ادرنه خدمت میکرد. همانطوریکه گفتیم ایشان از همان لحظه اولی که فهمید باید با

ازل بقبرس برود درصدد فرار از این بدبختی بود تا آنکه پس از دو سال در تاریخ ۲۹ سپتامبر ۱۸۷۰ از آن جزیره فرار کرد و با اسم تبدیل شده "آقا عبدالله" بکنار محبوبش بعکا آمد و تا صعود حضرت بهاءالله در جوار آن حضرت بود. پس از صعود هیکل مبارک بدمشق رفت و در آنجا صعود فرمود.

۳ - میرزا علی سیاح: معروف به "آدی گوزل" (خوش نام) مراغه ای بود و در آغاز امر حضرت ربّ اعلی موفق بتصدیق گردید و واسطه ایصال مراسلات و عرایض مؤمنین بحضرت باب و ابلاغ توقیعات و اوامر و اوامر مبارک به مؤمنین بود. او کسی است که رساله مبارک حضرت بهاءالله را برای حضرت اعلی برد و راه ارتباطی مابین حضرت باب و پیروانش بود و همه این مأموریتها را با پای پیاده انجام میداد.

بعد از شهادت حضرت اعلی دل افسرده به کربلا رفت و در آنجا با دختر شیخ حسن زنوزی ازدواج کرد و بمحضر جمال مبارک مشرف شد و ایمان آورد. در کتاب بالیوزی بنام عبدالبهاء ص ۲۵۸ چنین آمده است: "روزی حضرت عبدالبهاء که کودکی بیش نبودند در کنار وحید دارابی جلوس فرموده بودند درویشی دیوانه وار سرشانه نکرده با پایهای کثیف و گلی وارد اطاق میشود که حامل توقیعی از حضرت باب بوده است. وحید بی اختیار از جا بلند شده پای کثیف آن درویش را میبوسد و میگوید این خاک و گل از زمینی که حضرت باب در آن ایستاده است آمده است." سیاح عالمی متبحر بود. پس از تشرّف بحضور مبارک حضرت بهاءالله و ایمانش بآن حضرت مصائب فراوان دید و مورد عنايات الهیه بود. لوح

مبارک سیاح در سال ۱۲۸۱ هجری قمری برابر با ۱۸۶۴ میلادی باعزار او نازل شده است و او در استانبول در جوار حضرت بهاءالله محبوس بود. همانطور که گفته شد به قبرس فرستاده شد و در ۴ آگوست ۱۸۵۱ در قبرس صعود فرمود (ادوار براون مینویسد که او را مسموم کردند.) و قبل از فوتش زن و خانواده خود را بمشکین قلم که هنوز در این جزیره بود سپرد.

۴ - مشکین قلم: هنرمند و خطاط بی نظیری بود و در دربار ناصرالدینشاه پست فوق العاده مهمی را داشت و لقب مشکین قلم را شاه باو داده بود. با اجازه برای دیدار فامیلش باصفهان میروید و در آنجا مؤمن شده و بجای آنکه بطهران بدربار شاه برگردد بادرنه رفته بحضور حضرت بهاءالله مشرف میگردد و از همان لحظه تمام عمر خود را وقف امر مبارکش میکند.

مشکین قلم قبل از آنکه حضرت بهاءالله بعکا نفی شوند بدستور مبارک برای برطرف کردن وسوسه های نامردانه سید محمد اصفهانی ناقض عهد بقسطنطنیه میروید و در نتیجه تحریکات همین سید محمد به حبس میافتد. ولی همانطور که قبلاً ذکر شد او را آزاد کرده و همراه ازل بقبرس میفرستند. او نه سال در قبرس ماند و از فامیل خود در ایران دور بود ولی نگهداری فامیل دوم خود را که زن و فرزندان سیاح بودند بعهده گرفت. در ۱۲۹۴ هجری قمری برابر ۱۸۷۸ میلادی قبرس را ترک کرد و بعکا رفت و بار دیگر بدیدار محبوبش نائل آمد. به اجازه حضرت بهاءالله در عکا ساکن شد و خادم و همدم حضرت بهاءالله بود و افتخار نیل بلقب حواری بهاءالله نصیبش گشت. هنر خطاطی او با تذهیب الواح و

آثار حضرت بهاءالله و بخصوص طرح "اسم اعظم" برای ابد در تاریخ هنر بهائی محفوظ خواهد بود. پس از صعود حضرت بهاءالله سفری به هند کرد. سپس در خدمت حضرت عبدالبهاء در حیفا بود و در سال ۱۹۱۲ وفات نمود. اولین کسی که می دانیم در دوره اقامت مشکین قلم در قبرس مؤمن شده شخصی است بنام نعیم افندی. این شخص بزیارت حضرت بهاءالله نائل شد و مورد علاقه و اطمینان حضرت عبدالبهاء بود. حضرت عبدالبهاء لوحی بوسیله او بقبرس فرستادند که حامل پیامی باحباء آن ناحیه بود ولی با شیطنت ناقضین دولت عثمانی او را دستگیر کرد و لوح مزبور از وی ربوده شد و خود او را به بیروت تبعید کردند. بعدها او بسیار ترقی کرد و در سال ۱۸۷۸ انگلیسها پست و مأموریت خیلی عالی ای در قبرس باو دادند. او باز هم برای بار دوم به عکا رفت در این سفر همراه دو پسر خود بود که برای تحصیلاتشان به ترکیه میرفتند. از این بعد دیگر از این مؤمن و زندگی او اطلاعی در دست نیست یکی از احبای قبرس شمالی جناب ارول حسن سعی فراوان کرد تا از خانواده این مؤمن اطلاعی حاصل کند خوشبختانه آنها را پیدا کرد ولی بچه ها و نوه های ایشان هیچ اطلاعی از بهائی بودن پدر و جد بزرگوارشان نداشتند.

از این تاریخ تا ۱۹۵۲ یعنی تا آمدن مهاجرین به قبرس که بدستور حضرت ولی امرالله در نقشه دهساله جهاد کبیر انجام گرفت هیچ خبر مثبتی نداریم جز سفرهای کوتاه حضرت ولی امرالله و ملکه ماری و شاهزاده خانم ایلینا به این جزیره و

ملاقاتهای او با صبح ازل و وسوسه و فعالیتهای ناقضین در این دوره که برای جامعه بهائی فوق العاده تلخ و دشوار بوده است. تا آنکه در ۱۹۱۲ یحیی در فاماگوستا فوت کرد و در همانجا مدفون شد. خود پسر میرزا یحیی مینویسد که در مرگ پدرش هیچیک از بابیان و حتی ازلیها در تشییع جنازه او حاضر نبودند. یکی از جانشینان او هم همین اواخر فوت کرد این کسی بود که اغلب با چاپ مقالاتی بر ضد امر و پخش آنها در خیابانها اقدام میکرد. همین اواخر دختر خانمی از نواده های یحیی برای یکی از احباء موجب گرفتاری در يك بانك شد (این دختر خانم از طرف مادر نبیره حضرت بهاءالله هم هست).

واقعه دیگری که قبل از ۱۹۵۲ اتفاق افتاد دیدار احبای عزیز با ملکه ماری و شاهزاده خانم ایلینا دختر ایشان است. خدمات ملکه رومانی و ایمان ایشان بامر را همه میدانید. این ملکه شجاع و شاهزاده خانم بامید زیارت اعتاب مقدسه در ۱۹۲۸ سفری کردند و در ماه آوریل ۱۹۲۸ وارد قبرس شدند ولی بدبختانه تبلیغات بی احتیاطانه و سیاست آنروز مملکتشان مانع از آن شد که آندو وجود نورانی به ارض اقدس برسند. برهم خوردن زیارت اعتاب مقدسه و زیارت حضرت ولی امرالله که آرزوی هر دوی آنها بود نه تنها باعث یأس و ناامیدی آن دو وجود روحانی گردید بلکه باعث تأسف هیکل مبارک و خانواده محترمشان هم شد. در این باره خود ملکه نازنین روحانی پس از سالها سکوت در ۲۷ جون ۱۹۳۱ در نامه ای به سرور مبلغین و مبلغات میس مارثاروت مینویسد: (مضمون نامه چنین است) "من و ایلینا بیرحمانه از زیارت اعتاب مقدسه و دیدار حضرت شوقی افندی منع

شدیم، در آن موقع من در يك دوران بحرانی خطرناکی بودم که هر حرکت من با نامهربانی بر ضد من بنفع سیاست کار میکرد و بمن رنج میداد چون مانع آزادی من بود. هر کس هر قدر هم که قوی باشد دوره ای در زندگیش بوجود میآید که باید تسلیم جفا کاری گردد و از تعدی و کینهء ظالمان حیرت زده رنج ببرد. من در آن موقع میبایستی از بچه ام دفاع میکردم.

از این تاریخ تا ۱۹۵۳ اطلاعی مثبت از فعالیت‌های بهائی در این جزیره وجود ندارد و یا تاکنون بدست من نرسیده. تنها بنا بر فرمودهء امه البهاء روحیه خانم در سال ۱۹۴۵ حضرت ولی امرالله و روحیه خانم برای گذراندن تعطیلات خود باین جزیره تشریف آورده اند و در هتلی در شهر Kyrenia ساکن شدند. این تنها موقعی است که روحیه خانم هم همراه هیکل مبارک از قبرس دیدن کرده اند. ولی حضرت ولی امرالله به تنهایی سفرهای متعدد دیگری باین جزیره فرموده اند. در سال ۱۹۴۴ جناب ساترلند ماکسول ایادی عزیز امرالله هم از این جزیره دیدن فرمودند.

در سال ۱۹۵۳ بود که حضرت ولی امرالله برنامهء دهسالهء جهاد کبیر را بدنیای بهائی اعلان فرمودند و در این برنامه دهساله احبای دنیا دعوت شدند که بممالك مختلف دنیا از جمله قبرس مهاجرت نمایند. در آنوقت قبرس تحت نظر محفل ملی بریتانیا بود و این محفل مأمور فرستادن مهاجر باین جزیره گردید و نقشه اصلی چنین بود که محفل روحانی در پایتخت این مملکت شهر نیکوسیا برقرار گردد. و همانطور که بخاطر دارید مهاجرین اولیه که بهر مملکتی میرفتند بلقب شوالیه Knight یا سلحشوران بهاءالله نامیده میشدند.

سلحشوران قبرس عبارتند از: Hugh Mc.Kinby از ایرلند (که در آنوقت عضو محفل ملی بریتانیا بود) و مادر ایشان خانم Violet Mc. Kinby عباس و ثریا وکیل و دو دختر آنها از ترکیه، Jeanne Kranneon از هلند، شمسی صداقت و سیروس مودت از ایران.

در سال ۱۹۵۵ اولین وجودی که بامر مبارک ایمان آورد شخصی است بنام Pedro Sian که پسر يك کشیش ارمنی بود و در لاناکا زندگی میکرد.

در ۱۹۵۶ نخستین قبرسی ترك دانشمند، نویسنده و شاعر عزیز ترك حسن شیشمز Hassan Shasmaz مؤمن شد که اکنون از احبای فوق العاده فعال این سرزمین میباشد (در قبرس شمالی). در همین سال محفل روحانی نیکوسیا تشکیل گردید و در ۱۹۵۹ از لحاظ مالی استقلال کامل بدست آورد. در سال ۱۹۵۷ اولین قبرسی یونانی با اسم آنجلیکی Angeliki که نوهء يك کشیش ساکن Kyrenia بود با ازدواج با يك مهاجر بهائی مؤمن شد. در ۱۹۷۴ از طرف بیت العدل اعظم طرح ریزی تشکیل محفل ملی این مملکت در فاصله ۵ سال ریخته شد ولی در اینموقع کودتا و تاخت و تاز ترکها که با خونریزیهای فراوان توأم بود صدمهء بزرگی بجامعهء بهائی وارد آورد. محفل روحانی فاماگوستا در ۱۹۷۴ و محفل روحانی نیکوسیا در سال ۱۹۷۶ از بین رفت و در این سال بود که این جزیره بدو قسمت شد و حتی پایتخت این مملکت را به دو نیمه نمودند و نگهبانان و سربازان سازمان ملل متحد برای حفظ امنیت این دو ناحیه در سرحدات آن قرار گرفتند. قسمت

بیدار یکدیگر هم نمی شوند حتی مکاتبات محفل غیر مستقیم انجام میگیرد.

وقتی که تاریخ امر را در این جزیره مطالعه میکنیم می بینیم احبائیکه از ۱۸۶۸ ساکن این جزیره شده اند از ملتهای مختلف تشکیل یافته اند. بخصوص در جنوب که اکثریت با مهاجرین است و این مهاجرین که باین مملکت آمده و رفته اند یا هنوز اینجا هستند از این ممالک بوده اند: ایران، ترکیه، انگلستان، ایرلند، آمریکا، سوئد، استرالیا، عراق، لبنان، سودان، کانادا، هلند، نیجریه، حبشه و مصر و تعجب اینجاست که از ۱۵۰ نفر بهائی که در این سرزمین زندگی میکنند ۱۰۰ نفر آنها در همین جزیره تبلیغ شده اند. در حال حاضر در قسمت جنوب فقط چند نفر بهائی از اهالی قبرس هستند که مشعل امر بهاء را در جزیره خود روشن کرده اند و اکثریت از مهاجرین میباشند در حالیکه در شمال بیش از ۴۰ نفر قبرسی ترك وجود دارد و تنها یکی دو تا خانواده مهاجر آنجا هستند.

تاریخ امر مبارک در این جزیره شروع تلخی دارد و این مختصر در بیان صدمات روحی و تیرهای بلائی که از این جزیره با وسوسه و شیطنتهای ناقضین بطرف حیف و به هیکل مطهر حضرت بهاءالله، حضرت عبدالهء و حضرت ولی امرالله و عالم بهائی وارد آمده نارساست. امید چنان است با جمع آوری مدارک بیشتر برای کتابی که در حال نگارش آن هستم بتوانم حق مطلب را روشن تر و کاملتر تقدیم حضورتان کنم.

در اینموقع تنها آرزوی من آنست که با این مختصر نوشته بتوانم عشق واقعی خود را باین سرزمین و مردم آن بگوش شما یاران عزیز برسانم

شمالی بترکهای قبرسی داده شد و ترکهای جنوب بزور همهء زندگی و سرمایه و زمین و خانه خود را ترك کرده برای حفظ جان بطرف شمال رفتند و بهمین ترتیب یونانیان قبرسی که در شمال زندگی میکردند با دست خالی و چشمی گریان و دلی پر از غم و اندوه بطرف جنوب سرازیر شدند. صدمه ای که از این جدائی ناگوار نصیب ملت این سرزمین و جامعهء بهائی شد فراموش ناشدنی است و هنوز که هنوز است یاد آن خونریزیها و ترك خانمان کردن با اشک و آه همراه است. از این بپعد این دو گروه که سالیان سال در کنار هم با صلح و صفا زندگی میکردند با تلخی فراوان از هم جدا شدند و از آن لحظه هیچکدام از این دو گروه از قسمت دیگر نه خبری میگیرند و نه امید دیداری دارند.

ساکنین این جزیره بهیچ عنوان نمی توانند از شمال بجنوب و یا از جنوب به شمال بروند. تا سال گذشته خارجیان ساکن این مملکت نمیتوانستند بدون آنکه پاسپورت آنها مهر خورده شود بشمال بروند (تنها از طلوع آفتاب برای یکروز تا غروب) ولی از سال گذشته این امکان هم از مسافرین خارجی گرفته شده.

حال ملاحظه فرمائید که با این وضع سیاسی مملکت جامعهء بهائی قبرس تا چه حد تشنهء دیدار یکدیگرند و شب و روز برای اتحاد این جزیره بدعا و مناجات مشغولند. محفل ملی قبرس که در سال ۱۹۷۸ تشکیل شد مسئول شمال و جنوب قبرس میباشد و اعضاء آن از هر دو ناحیه انتخاب میشوند و با این وضع چه در انتخابات و چه برای تشکیل محفل ملی گرفتاری بزرگی در پیش دارند. گاه سالی میگذرد و این نه نفر موفق

حقوق الله

طراز الله ابرار*

سالیان متمادی است که موهبت تأدیه حقوق الله به هموطنان جمال قدم و اسم اعظم روحی لاحبائه الفداء اختصاص یافته و عده بی شماری در این میدان سمنند همت به جولان آورده و گوی سبقت از همگنان ربوده اند. هم اکنون به صرف فضل و موهبت، معهد مصون از خطا بیت العدل اعظم الهی برای تعلیم و آشنائی دوستان غرب به امر مبرم حقوق الله دستورات لازم را صادر نموده و عده بی شماری از یاران باوفای غرب با طیب خاطر و شغف زائد الوصف به این فیض عظمی نائل گشته اند.

با آن که احبای باوفا و متحسن ایران به دستورات مبارکه در این باره آشنائی کامل و در بحور آثار الهیه تعمق کافی دارند چون مرور در آثار مبارکه موجب مزید تبصر و توجه است لهذا به نظر رسید که در این مقام شمه از حکم بالغه و مواهب مخصوصه این امر منصوص معروض و مذکور گردد و این موضوع مهم را باهم در میان گذاشته تا بفضل حق از موهبتی که جمال مبارک محض الطاف بی نهایی به احبای باوفای خود عنایت فرموده محروم نشده و از اهمیت و لزوم حتمی آن که باعث خوشبختی و سعادت ما خواهد بود محروم نمانده و از لذات این حکم مبرم بهره مند گردیم.

*نماینده حقوق الله در فرانسه

بر حسب نصوص مبارکه اجرای حکم محکم حقوق الله از وظائف اولیه اهل بهاء و پیروان جمال اقدس ابهی محسوب است و این امر مبرم بر جمیع اعمال مقدم است. قلم اعلی میفرماید:

«...اول امر عرفان است و بعد از آن استقامت و بعد از آن تطهیر مال...»

و نیز میفرماید:

«...راس اعمال امروز عمل بمانزله الله فی الکتاب بوده و هست باید اول بر ادای حقوق الهی قیام نمائید چه که این عمل سبب اعظم است از برای اصلاح امورات ظاهره و شئون باطنه و قبول رضای حق جلاله...»

«...خداوند سبحان و حق علیم منان مستغنی از مادون بوده و بصرف محبت خالصه و فضل کامله با تعین حقوق الله بر عباد خویش منت گذاشته و بموهبت مخصوص مخصص داشته...»

در آثار قلم اعلی زیارت میکنیم:

«...الیوم بر هر نفسی اداء حقوق الله واجب و لازم است...»

«...احدی حقوق الله مطالبه ننماید و این

فقره به اقبال خود نفوس بوده...»

«...مطالبه حقوق الله ابداً جائز نبوده و

نیست... اگر نفسی بکمال رضا و خوشوقتی بلکه باصرار بخواهد باین فیض فائز گردد قبول نمائید

والأفلا...»

نگردیم و در خیل بیگانگان بحساب آنیم و وای بر آن روزی که دستان از این دنیا کوتاه شود و خود را در پیشگاه جمال مبارک بیگانه ملاحظه نماییم.

حقوق الله امانت حق در نزد خلق است و ادای آن بنص قاطع الهی سبب حصول برکت و ازدیاد موهبت و عطاء الهی خواهد گردید و نباید خدای نخواستہ در این امانت خیانت شود.

در کتاب مستطاب اقدس ام الكتاب میفرماید: «... یا قوم لاتخونوا فی حقوق الله... من خان الله یخان بالعدل...»

مضمون اینکه در حقوق الله خیانت نکنید کسیکه خیانت کند خود بعدل مورد خیانت قرار خواهد گرفت آیا مذلتی بالاتر از محرومیت از این موهبت و محسوب شدن جزو بیگانگان میتوان یافت؟

ادای حقوق الله بر سایر اعانات و تبرعات تقدم و ترجیح دارد.

حضرت ولی عزیز امرالله میفرماید:

«... اعانه در این سبیل از احتیاجات ضروریه امریه است و از امور اساسیه محسوب و بعد از ادای حقوق الله فی الحقیقه اعظم وظیفه شخص بهائی است...»

معهداعلی و مرجع مصون از خطا در دستخط مورخ ۱۲ شهرالعلم ۱۲۰ میفرماید:

«... از آنجا که ادای حقوق الله بحکم کتاب یکی از مشروعات امریه و ادایش از فرایض حتمیه اهل بهاء مقتضی آنکه... یاران عزیز ایران را باهمیت این مشروع عظیم آشنا سازند...»

برای چگونگی محاسبه حقوق الله میتوان بنحو کلی مثالی بیان کرد: اگر کلیه ثروت فردی (غیر از منزل مسکونی) بعد از وضع و کسر مخارج

بقیه در ص ۳۱

مبین آیات الله حضرت عبدالبهاء میفرماید:

«... حقوق بر جمیع مایمک تعلق میگیرد...»

«... ای یاران عبدالبهاء محض الطاف بی پایان حضرت یزدان به تعیین حقوق الله بر عباد خویش منت گذاشت والا حق مستغنی از کائنات بوده والله غنی عن العالمین...»

نفع ادای حقوق الله بصریح آثار الهی بخود نفوس راجع است و اگر خوب توجه شود در حقیقت ادای دین نیست بلکه اخذ مواهب الهی و جلب نعم و برکات رحمانی است میفرماید:

«... لعمرالله اگر مطلع شوند بر آنچه مستور است و آگاه گردند از بحر فضل که در این حکم مکنون است جمیع ناس آنچه را مالکند در سبیلش انفاق نمایند...»

«... نفوسیکه اطاعت این امر مبرم نمودند به برکت آسمانی موفق و در دو جهان روی روشن و مشام از نسیم عنایت معطر گردند از جمله حکمت های بالغه اینکه اعطای حقوق سبب ثبوت و رسوخ نفوس گردد و نتایج عظیمه به ارواح و قلوب بخشند...»

حضرت مولی الوری در مورد حقوق الله نکته دقیقه لطیفه ای میفرمایند که جان و روان را باهتزاز آورد وجدان انسان را بیدار سازد. میفرمایند:

«... نظر به حکمت بالغه و امتحانات فارقہ تا آشنا از بیگانه امتیاز یابد حقوق الله بر عباد خویش واجب و مفروض فرمود...»

بنابراین میزان آشنائی در ساحت رحمن ادای حقوق علیم سبحان است و چقدر تأسف بار است که عمر عزیز را صرف کنیم و با عدم توجه بادای حقوق الله جزو آشنایان ساحت رحمن محسوب

شعر



بلبل معانی

سه بیت راجع به 'عهد و میثاق'

مالی که شود در رهش انفاق خوش است
ما را سخنی ز عهد و میثاق خوش است

کامی که بود تلخ پر از شهد کنیم
جانرا بفدای طلعت عهد کنیم

ناظر بجمال نیر آفاقیم
ما ثابت عهد و راسخ میثاقیم

قلبی که بود عاشق و مشتاق خوش است
از صحبت سست عنصران بگریزیم

خوش باشد اگر در ره حق جهد کنیم
با اهل وفا سخن ز جانان گوئیم

ما اهل بهائیم و بجان مشتاقیم
اندر سر پیمان ز سرو جان گذریم

ماکو*

دکتر صابر آفاقی (پاکستان)

چون صبا بر ساحل رود ارس رو میکنم
تو بقصد مگه ای من عزم ماکو میکنم
هر کجا او رونهاده، سجده آن سو میکنم
نور حق را سجده در محراب ابرو میکنم
من هم اینک نازها بر تار آن مو میکنم
ترك گفته عیش را، با ناله ها خو میکنم
کاین چنین من در سراغ او تکاپو میکنم
زان بجای گل، تراب قلعه را بو میکنم
او انا هو گفت و من، یا من هو هو، میکنم
که چو قمری در فراق دوست کوکو میکنم
صابرا من هم روان از دیدگان جو میکنم

با دلی پرشور اکنون عزم ماکو میکنم
راه عاشق دیگر ای زاهد، ترا راه دگر
کعبه مقصود از شیراز تا چهریق گشت
کوه چون محراب ابرو، قلعه نورانی چو چشم
عالمی شد بسته بر یک تار مویت ای صنم
تا شنیدم قصه زندان و مظلومی دوست
شد کجا یارب غزال ساحل رود ارس
چون معطر از گلی گشته که رشک گلشن است
پاک شستم از کتاب دل نقوش ما و من
گاه همچون بلبل شوریده کریم زار زار
اشک میریزد بهجر دوست جوی زنجبار**

* در سال ۱۹۴۲ میلادی در قلعه ماکو سروده شد.

** نام جوئیست که در قسمت زیرین ماکو در جریان است.

در استقبال از غزل شیوای جناب ابوالقاسم افنان تحت عنوان "سودای عشق" که در شماره ۲۰ عندلیب بچاپ رسیده است جناب حسین افنان غزلی تحت عنوان "عاشقان با وفا" سروده وارسال فرموده اند. در اینجا ابتدا غزل سودای عشق و سپس استقبال آن بنظر خوانندگان عزیز میرسد:

سودای عشق

اثر ابوالقاسم افنان

قصه دیوانگان در وصف ما افسانه ای
تانباشد قصه ای از شمع و از پروانه ای
کی زند تسخر باین دیوانگی فرزانه ای
کو برای مرغ دل دامی چنین یا دانه ای
بایدم منزل ازین پس گوشه ویرانه ای
خانه تقوی بری باید ز هر بیگانه ای
از شراب معرفت ای خضر ره پیمانه ای
یا وصال محرمی یا صحبت جانانه ای
کاین بود ما را امید از همت مردانه ای

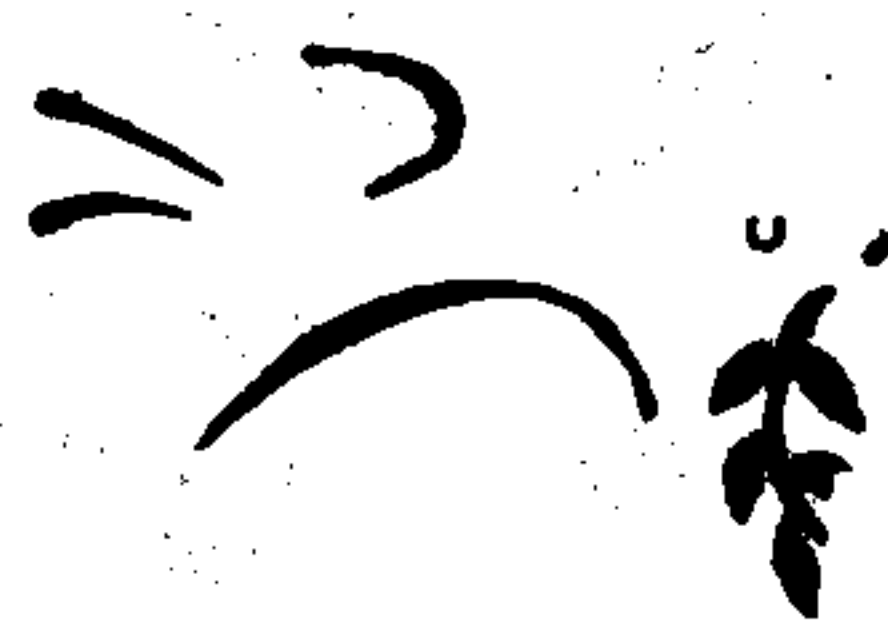
نیست اندر دام عشقش کس چو من دیوانه ای
نقد جان در راه عشقش بی محابا باختم
عاشق سرگشته را نبود بدل سودای جان
مرغ دل بر دام زلف و خال رویش شد اسیر
سیل اشکم برد از دل طاقت و صبر و قرار
شیخ و زاهد را به بزم باده نوشان راه نیست
جرعه ای از خمر باقی ساقیا ما را بس است
شکر این نعمت بپاید گر شود روزی نصیب
غیر عشقت یا بهاء دور از همه آمال کن

عاشقان با وفا

حسین افنان

هر يك از دیوانگان دارند خوش افسانه نی
هر کجا شمع است، گردش پرزند پروانه نی
از چه بر دل دادگان نیشی زند دیوانه نی
کی براه سیل بنیان کن بسازد خانه نی
میگذارد هر قدم در راه حبش دانه نی
سیل اشکم کرد هر کاشانه را ویرانه نی
محفل ما را نباشد جای هر بیگانه نی
همتی باید که باشد همت مردانه نی
ساقیا پرکن زخم معرفت پیمانه نی
هم وصال محرمی هم هجرت جانانه نی

همچو من افتاده در هر رهگذر دیوانه نی
جمله اندر راه عشقش بی محابا جان دهند
عاشقان با وفا را نیست پروانی ز جان
جز من دیوانه و دیوانگانی همچو من
تا نیفتد مرغ دل در دام هجران نگار
آه قلبم کرد روی هر سفیدی را سیاه
کی برد ره شیخ و زاهد خانقاه می کشان
شعله عشقش بدل باشد فروزان روز و شب
با امید جرعه نی از خمر باقی زنده ام
شاگرد درگاه ابهائیم که ما را شد نصیب



مراسم تشییع و تدفین ایادی امرالله دکتر یوگو جیاگری

مراسم بخاکسپاری ایادی امرالله دکتر یوگو جیاگری ظهر چهارشنبه ۵ ژوئیه بعد از محفل تذکری مؤثر در عمارت فرعی مشرق الانکار ساموا، در نقطه زیبائی مشرف به مشرق الانکار و اقیانوس کبیرانجام شد.

فرماندار ایالت ساموا عالیجناب مالیتوا تانوما فیلی دوم (Malietoa Tanumafili II) همچنین نخست وزیر و چهار وزیر کابینه و نفوس عالیمقام غیر بهائی در مراسم شرکت نمودند.

چهار تن مشاورین قاره ای، پنج عضو هیئت معاونت، نمایندگان شش جامعه بهائی در پاسفیک و بیش از دویست نفر مؤمنین از قسمتهای مختلف ساموا حضور داشتند. جامعه بهائی ساموا سعی نمودند وقار و شکوه و زیبائی مراسم مطابق شأن و مقام عالی ایادی امر محبوب باشد.

مشاور قاره ای جناب سهیل علانی در مدح و ثنائی دکتر جیاگری و ارتباط بی نظیر او با پیشرفت امر در ساموا سخن گفت. ادعیه و مناجات به هفت زبان فارسی، انگلیسی، ایتالیائی، مانوری، تونگا، فیجی و ساموا تلاوت شد و هیئت نوازندگان معبد موسیقی الهام بخش اجرا کردند.

بیت العدل اعظم در پیام مورخ ۷ ژوئیه خطاب به محافل روحانی ملی خدمات دکتر جیاگری را بامر با این عبارت تقدیر و تمجید نمودند:

« از فقدان ایادی محبوب و ممتاز و خستگی ناپذیر امرالله دکتر جیاگری عمیقاً متأثر و غمگین. صعود او در سفر تاریخی ساموا افتخاری جدید بآنچه در دوران ولی امر محبوب حاصل کرده اضافه مینماید و امتیاز روحانی ناحیه پاسیفیک را که تاکنون آرامگاه چهار ایادی دیگر بوده است تجدید میکند.

اقدامات با شکوه او در عضویت شورای بین المللی بهائی در ارتباط با بنای گنبد مقام اعلی که سبب شد حضرت ولی امر یکی از ابواب آن بنای شریف را با اسم او نام دهند، مساعی ممتد او در ترویج مصالح امر در سطح محلی و ملی و بین المللی و موفقیت قابل ملاحظه او در تأسیس محفل روحانی ملی ایتالیا و سونیس طی نقشه دهساله، صفات برجسته شوق و ذوق و وفاداری و تصمیم و استقامت که عملیات دشوار او را ممتاز مینماید همه اینها تاریخچه امر را در دوران خدمات عالی او زینت میبخشد و اجر جزیلی در ملکوت ابهی برای او تأمین مینماید.

بتمام محافل روحانی ملی توصیه میشود محافل تذکر شایسته بنام او بخصوص در مشارق انکار منعقد نمایند و مقام بی نظیر و خدمات

آمدند بخصوص در آخر هفته تعداد میهمانان از ده هزار تا پانزده هزار در روز بود. جمع کل در ماه ژوئن به ۱۵۹, ۲۰۷ بالغ گردید.

کنفرانس بین المللی جوانان در آلاسکا قوای خلاقه ایجاد میکند.

از ۱۲ تا ۱۵ ژوئیه در پایتخت آلاسکا شهر انکوراژ (Anchorage) کنفرانس بین المللی جوانان منعقد بود. موضوع کنفرانس چالش دوران ما ... صلح در روی زمین (The Challenge of our time... global peace) بود و پیام ذیل از کنفرانس بساحت بیت العدل اعظم ارسال گردید:

"در این موقع بحرانی تاریخ امر محبوب این فانیان متشکر و ممنون آن هیئت هستیم که باران لطف و محبت بی انتهای خود را دائماً بر سر جوانان باریده اید. آرزوی ما اینست که مولای محبوب را خوشنود کنیم و قلوب بیت العدل اعظم را شادمان نمائیم. ما در این فکر متحدیم که تنها راه نیل باین مقصود آنست که خودمان و اهل عالم را تغییر حال دهیم. توجه ما معطوف به قوای خلاقه ایست که حضرت بهاءالله باین جمع عنایت فرموده است. هر چند تعداد مقلیل است ولی در روح قوت وجود دارد. حلاوت مخصوصی شرکت کنندگان را بر آن داشته که تعهد قلبی کنند.

از حضرات فرزام ارباب و لورتا کینگ (Lauretta King) و دایوید اسمیت (David Smith) اعضاء دارالتبلیغ بین المللی و هیئت مشاورین قاره ای متشکریم که با وجود وظائف مبرم خود بما توجه کرده اند. بصیرت و حکمتی که بما عنایت شده هنگامی

جلیل او را یادآور شوند."

"کنفرانس عموم ادیان" در یکی از بلاد هندوستان

قریب هزار نفر در "کنفرانس عموم ادیان" که توسط محفل روحانی محلی جاد پور (Jodhpur) یکی از بلاد مرکزی هندوستان منعقد گردید شرکت نمودند که شامل نمایندگان هندو، اسلام، سیخ، بودائی، مسیحی و بهائی بود. مسابقه هنری در موضوع "تمام عالم يك خانواده است" The whole world is but one family مابین پنجاه مدرسه ترتیب یافته بود و جوایز در طی کنفرانس توزیع گردید.

نقشه تبلیغی در ایالت تامیل نادو موفقیت عظیمی حاصل میکند.

طبق گزارش شورای ایالتی بهائی تامیل نادو (Tamil Nadu) در هندوستان يك نقشه تبلیغی که در یکی از بلاد اجرا شده نتیجه اش اقبال دسته جمعی چهارصد (۴۰۰) نفر مؤمنین جدید بامر بوده و در شهر دیگر تبلیغ و تحکیم نفوس نتیجه اش اقبال دویست و سی و هفت (۲۳۷) نفر مؤمنین جدید بوده است.

دیدار نفوس از مشرق الاذکار هندوستان ادامه دارد.

گزارش ذیل از مشرق الاذکار هندوستان ۲۰ ژوئیه بارض اقدس واصل شده:
"در ماه ژوئن حرارت و رطوبت هوا ادامه داشت معهذا جمع کثیری بدیدن مشرق الاذکار

که می‌خواهیم "روشن کننده شمع های خاموش" بشویم با ما خواهد بود."

کنفرانس بین المللی جوانان در ایتالیا

قریب ششصد تن جوانان از بیست کشور ۱۳ تا ۱۷ ژوئیه در شهر سان مارینو (San Marino) حاکم نشین ایالت سان مارینو در ایتالیا کنفرانس جوانان بهائی اروپائی را تشکیل دادند. مشاور قاره ای جناب سهراب یوسفیان و اعضاء محفل روحانی ملی و اعضاء هیئت معاونت از ایتالیا و انگلیس نیز حضور داشتند. شرکت چهل و سه (۴۳) جوان از ترکیه بخصوص مایه تقدیر بود.

کنفرانس تحت حمایت وزارت فرهنگ سان مارینو با همکاری دفتر توریست ایالتی منعقد شده رسماً توسط وزیر فرهنگ افتتاح گردید. اولیای امور دولتی و مخبرین جراند و تلویزیون نیز شرکت داشتند.

هیئتی شامل یک نماینده از هر کشور شرکت کننده در کنفرانس و یک نماینده از محفل روحانی جمهوری سان مارینو به مقر حکومت رفته با احترام پذیرفته شدند و از طرف جمع اعلامیه ای توسط نماینده بهائی ایتالیائی خوانده شد. قبل از کنفرانس و در جریان آن شش مقاله در جریده معروف سان مارینو درج گردید.

تعداد ۷۷۰۰ دعوتنامه به رؤسای خانواده ها ارسال شد و همچنین تعدادی نسخه های پیام صلح بیت العدل اعظم توزیع گردید.

بهائیان کنیا در اجرای نقشه ایجاد

مصونیت طبی شرکت میکنند.

یک برنامه بهداشتی طویل المدت از طرف انجمن بهداشت عمومی کانادا با همکاری بهائیان کنیا در آن کشور اجرا شده از ماه آپریل تا ژوئن بهائیان دواطلب کنیا با محافل روحانی محلی خود همکاری نموده دو جلسه با تمام کارکنان بهداشت جامعه و دو سمینار یک روزه محلی ابتدای کار آموزی داشتند تا اطلاعاتی راجع به ایجاد مصونیت بدست آورده در جامعه های خود مورد استفاده قرار دهند.

کنفرانس جوانان در هلند آتش اشتیاق جوانان اروپا را دامن میزند.

بیش از صد نفر در کنفرانس جوانان بهائی اروپائی که از ۱۱ تا ۱۷ ژوئیه در هلند منعقد گردید شرکت نمودند. شرکت کنندگان از پانزده کشور شامل بعضی از کشورهای آفریقای شمالی بودند.

جوانان با هدایت و راهنمایی مشاور قاره ای و اعضاء هیئت معاونت و ناطق محترم، پروفیسور سهیل بشرونی بمطالعه دقیق توقیعات حضرت ولی امر پرداختند.

شرکت کنندگان در کنفرانس بیاد برادران خود در ایران که با وضعیت کنونی قادر به انجام خدماتی که شایقند نیستند، تعهد کردند به اعلان انفرادی و تبلیغ بمیزان بی سابقه پردازند، به مهاجرت و اسفار تبلیغی بروند، به مطالعه و تعمق در آثار امری و تبرعات بصندوق همت گماشته با دعا و مناجات رجای تائید و توفیق نمایند.

پیام جوانان بهائی ایران به جوانان بهائی اروپا شامل این عبارتست: "بیش از یک قرن

تمجید و تقدیر نمود.

کنفرانس بهائی دیگر در جزیره مینداناو Mindanoo در قریه کیسولون Kisolon منعقد شد. نایب شهردار که خود بهائی است امة البهاء را رسماً در دفتر شهرداری پذیرفت. پس از آن در مجلسی منعقد در حظيرة القدس كوچك و زیبای کیسولون برنامه تفریحی و ناهار ترتیب یافت.

بعد از سه روز در مینداناو، روحیه خانم سه روز نیز در شهر سبو Cebu City گذارنده از طرف فرماندار ایالت و شهردار جوان شهر که معلوم بود فوق العاده خسته است پذیرائی شدند. بهائیان بحال شهردار افسوس خورده در طی کنفرانس برای او دعا کردند. امة البهاء بی اختیار این مطلب را در کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشتند که در جراند دیگر راجع بامر درج گردید.

چهارمین کنفرانس بهائی در شهر باگیو Baguio در کوهستان فیلیپین منعقد گردید. قبل از ورود امة البهاء گرد باد و طوفان هوا را منقلب کرده بود ولی تشریف فرمائی ایشان مایه مسرت و خوشحالی شد.

در اینجا نیز با فرماندار و شهردار و سایر اولیای امور ملاقات کرده کنفرانسی دوستانه با مطبوعات داشتند که برای اعلان امر بسیار مفید بود. بسیاری بهائیان از قبایل کوهستانی در کنفرانس کوچکی شرکت نمودند و شهردار محل در جلسه افتتاحیه کنفرانس رسماً حضور یافته چنان مجذوب شد که برای صرف ناهار ماند.

در مانیل که پایتخت فیلیپین است روحیه خانم قریب دو هفته توقف فرمودند. روز دوم ورودشان در کنگره جهانی صلح فیلیپین (World Peace Congress) صحبت نمودند. همچنین با صد تن

بعد از عصر رسولی بار دیگر مشیة الله مقدر فرموده باران بلا و افتتان قلوب پیروان اسم اعظم را در مهد امرالله پاك و مقدس نماید.

سفرهای بین المللی حضرت ایادی امرالله امة البهاء روحیه خانم

امة البهاء روحیه خانم طی سفرهای تبلیغی که در شرق اقصی نمودند (رجوع شود به شماره ۱۹۹ و ۲۰۲ اخبار بین المللی) مدت سی و سه (۳۳) روز در جزائر فیلیپین به سیر و سفر پرداختند. این گردش که ۸ ژوئیه شروع شده بود توسط محفل روحانی ملی با مشورت مشاور محترم ویسنته سامانیگو (Counsellor Vincente Samaniego) ترتیب یافت و طی آن امة البهاء در جلسات با اولیای امور ملاقات نموده در دانشگاهها ایراد نطق فرمودند و در پنج کنفرانس ناحیه ای بهائی شرکت کردند که بیش از هزار نفر احباء از قریب یکصد مرکز در آنها حضور داشتند.

اولین کنفرانس در شهر سان ژوزه San José در جزیره میندورو Mindoro تشکیل شد. در فرودگاه قریب صد نفر بهائیان امة البها را استقبال نموده افراد پلیس امة البهاء را از فرودگاه همراهی نموده مستقیماً بدفتر شهردار بردند. روحیه خانم به شهردار معرفی گردیده و از طرف او و معاونش و جمعی از حاضرین با منتهای صمیمیت پذیرائی شدند.

در طی کنفرانس ضیافتی برای اولیای امور محلی از جمله نایب فرماندار و شهردار ترتیب داده شد در موقع دیگر فرماندار بملاقات روحیه خانم رفته ایشان را خوش آمد گفت و از بهائیان

نفوس مهمه از جمله رئیس عدلیه فیلیپین و رئیس مجلس سنا چهل دقیقه تا يك ساعت ملاقات و مذاکره کردند.

۹ اگوست امة البهاء با هواپیما به تایوان تشریف بردند و در روزهای اول اقامت خود در تایوان مورد پذیرائی وزیر داخله واقع شده در ضیافت ناهاری که بافتخار ایشان از طرف عده ای زنان معروف تایوانی ترتیب داده شده بود حضور یافتند.

روحیه خانم همچنین اطلاع یافتند که فعالیت تبلیغی که در ماکائو بافتخار ایشان انجام یافته قرین موفقیت بوده طی يك هفته تعداد هفتاد و نه (۷۹) نفر مؤمنین جدید در ظل امر وارد شدند و بدین مناسبت نهضت تبلیغی ۷۹ شمع (79 Candles Teaching Campaign) نام نهاده شد.

بهائیان در تشکیل اولین کنفرانس زنان بومی در استرالیا شرکت میکنند.

از ۷ تا ۱۲ ژوئیه در شهر آدلاید (Adelaid) استرالیا يك کنفرانس زنان بومی تحت اشراف و بخرج مؤسسه یونسکو (Unesco - سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد) تشکیل گردید و زنان بومی استرالیائی میزبانی آنرا بعهده گرفتند. بیش از هزار زن اکثراً زنان بومی در کنفرانس شرکت نمودند. نماینده لجنه ملی نسوان بهائی با دسته گل به کنفرانس رفته پیام آن لجنه را قرائت کرد. دسته گل و پیام هردو با گرمی پذیرفته شد. شرکت کنندگان در کنفرانس با ترانه ها و رقص های بومی و قطعات تاتری مربوط به احوال بومی ها خوش بودند. موضوع

های مورد بحث عبارت بود از: زنان و تبعیض نژادی و تعلیم و تربیت و تندى در خانواده.

بهائیان فنلاند در شوروی نمایشگاهی ترتیب دادند.

بزرگترین شهر شوروی در مدار قطب شمال مورمانسك Murmansk نام دارد. در این شهر از ۲۶ تا ۲۸ ژوئیه نمایشگاهی ترتیب یافت که بهائیان در آن غرفه ای داشتند. افراد از سوئد و نروژ نیز با فنلاندی ها همکاری نمودند. جمعاً بیست و شش نفر بهائیان در جشن شرکت کردند. هر روز از ده صبح تا ۲ بعد از ظهر دانما نفوس بدیدن غرفه بهائی میآمدند و سئوالات مطرح میکردند و چون فقط معدودی جزوات همراه برده بودند بسیاری اشخاص مینشستند و از کتابها برای خودشان استنساخ میکردند. لااقل ۱۵۰۰۰ (پانزده هزار) نفر از نقاط دور دست روسیه و اوکراین Ukrain بدیدن غرفه بهائی آمدند. اشك مسرت از درك این فرصت و اشك غم از نداشتن آثار مقدس در روسیه شوروی از چشم ها جاری بود. در طی نمایش امر بهائی در رادیو و تلویزیون اعلان گردید. شهردار مورمانسك نسبت به واردین بهائی علاقه مند شد و با لطف و محبت يك نسخه از بیانیه صلح بیت العدل اعظم را پذیرفت.

اردوی طبی مجانی در پاکستان دائر گردید.

دومین اردوی طبی مجانی توسط لجنه جوانان بهائی در شهر راول پندی Ralwalpindi روز ۳۰ ژوئیه در قریه کوچکی باسم خاکری اسلا کثیر Khakree Slaktheer دائر گردید.

بهائی بدست آوردند و موفق شدند کتب و پوسترها و تصاویری که اصول و اهداف امر را نشان میداد بمعرض نمایش بگذارند. از این راه اعلان امر بنحو احسن انجام گرفت و با نفوس مهمه که مسئولیت تأسیس و اداره امور را داشتند تماس حاصل شد. نسخه هائی از بیانیه صلح به تمام ناطقین و بسیاری نفوس که بدیدن غرفه کتابها آمده علاقمند بودند داده شد. جالبترین قسمت وقتی بود که توضیحاتی راجع بامر بهائی داده شد و قطعاتی از کلمات مکنونه و یک مناجات همراه موسیقی تلاوت گردید.

اقبال دسته جمعی نفوس بامر در ایالات متحده امریکا

اقدامات تبلیغی در شهر اتلانتا ایالت جرجیا Atlanta Georgia از ایالات متحده امریکا سبب شد که ششصد (۶۰۰) نفر مؤمنین جدید اقبال بامر نمودند و برای تکمیل و تزئید معلومات مؤمنین جدید در پنجاه منزل مرتباً جلسات تبلیغی منعقد گردید.

دکتر فرهاد مشرقی و پرستاران ثریا و پروین قانی با کمک فرزین یزدان پرست در این امر شرکت کردند و عضو هیئت معاونت اقبال ایمانی و دکتر منیریک طبیب غیر بهائی از بیمارستان خانواده مقدس Holy Family Hospital نیز مساعدت نمودند. اردو با تلاوت مناجات و بیانات حضرت عبدالبهاء راجع بخدمت نوع بشر شروع شد. همچنین بهائیان پیام حضرت بهاءالله را ابلاغ نموده کتب بهائی توزیع کردند. تعداد شصت مریض را معالجه مجانی نمودند. اردو با تلاوت دعای شفا بانتهای رسید.

بهائیان کشور پرتغال در هفته مطالعات مذهبی شرکت میکنند.

دانشگاه جدید New University در شهر لیسبون پایتخت پرتغال هفته ۵ تا ۹ ژوئن را به مطالعات مربوط به نژاد شناسی و انسان شناسی و جامعه شناسی مذاهب اختصاص داد. محفل روحانی ملی قبلاً با مراجع مربوطه تماس گرفته در سالون نمایش کتابها مکانی برای ارائه کتب

در مورد قبرس میتوان بکتاب خانم بهیه نخجوانی تحت عنوان Four on an Island آکسفورد، ۱۹۸۳ مراجعه کرد.

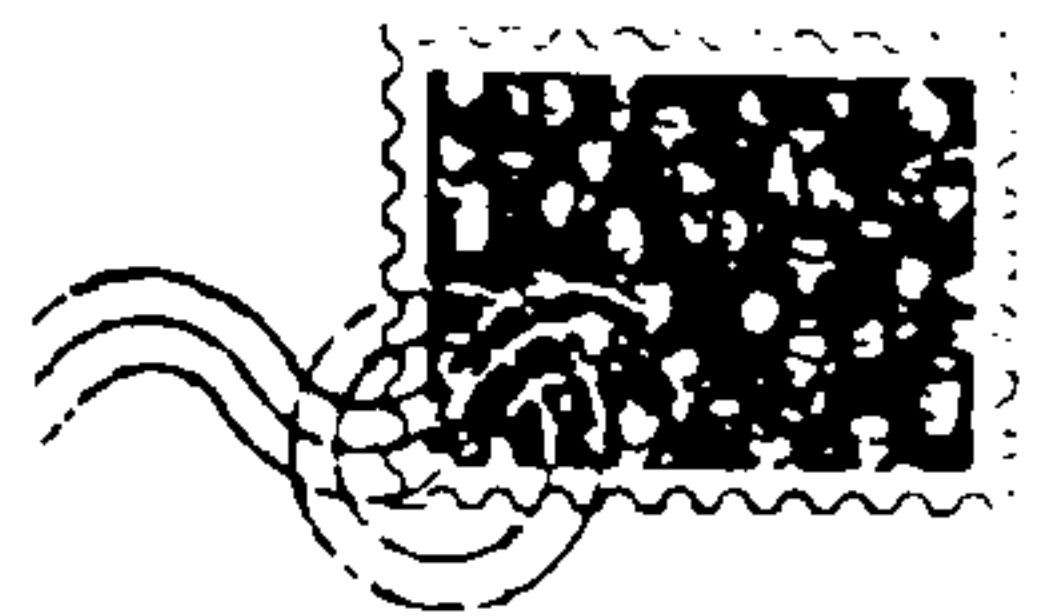
در تهیه این مقاله از سایر کتب بهائی و غیر بهائی که اشاره ای به تاریخ امر در قبرس و یا موقعیت و جغرافیای آن کشور دارند و از مدارکی که منشی محترم محفل ملی در اختیار نگارنده گذارده اند، استفاده شده است.

تاریخ امر در قبرس

بقیه از صفحه ۱۵

و اهمیت این سرزمین را در تاریخ امر بیان کنم و از نعمتی که جمال مبارک شامل حال من کرد که مهاجر این سرزمین هستم سپاسگزاری نمایم.

منابع و مأخذ:



*

بنابه نامه خانم شهناز عدنانی، در اکتبر سال جاری کنفرانس بین المللی خانمها در اوروگوئه برگزار خواهد شد. برنامه این کنفرانس بررسی و شور در مورد تساوی حقوق زن و مرد، ترقی نسوان و صلح می باشد و علاوه بر نطق ها و بحث ها شامل موسیقی و برنامه های هنری است.

*

جناب فرید جهانپور از آفریقا نوشته اند (۸۹/۶/۱۳) که در پیام رضوان ۱۹۸۸ بیت العدل اعظم الهی از احباء خواسته بودند که بزرگسال و جوان و کودک عموماً به تبلیغ امر بپردازند. چندی پیش دختر پنج ساله حقیر بنام علاء نزد من آمد و گفت که به اطفال همسایه مناجات و سرودهای امری یاد داده است این عمل که بابتکار خود او شروع شده بود موجب مسرت زائد الوصف بنده و مادرش شد. ناکفته نماند که در میدان تبلیغ برادر کوچکش که چهار سال دارد نیز سهیم و شریک است.

*

جناب کمال الدین رئوفی که محبتشان همیشه شامل حال خدام پیام بهائی است خاطره ذیل را از کتاب حکایت دل (ص ۸-۱۹۷) اثر ایادی معظم جناب علی اکبر فروتن نقل کرده اند:
«در همین سال ۱۹۵۲ دستوری از ساحت اقدس خطاب بیاران ایران صادر شد که برای بنای

جناب ابوالفضل رحمانی در نامه مورخ ۸۹/۸/۱۶ خود (۱۶ شهرالکمال ۱۴۶۱) پیشنهاد کرده اند که بدوستان راستان در سراسر جهان پیشنهاد شود که تاریخ ورود امرالله در مملکت یا شهر خود را تحقیق فرموده برای پیام بهائی بفرستند.

*پیشنهاد ایشان مورد تأیید است حال باید بخوانندگان ارجمند عرض کرد: این گوی و این چوگان

*

یکی از دوستان توجه ما را بدین دو بیت عمیق اقبال لاهوری جلب کرده اند که در مورد تمدن افراط گرای جدید گوید:

تمدن آتشی افروخت در جهان که بسوخت
ز عهد مهر و وفا هر چه یادگاری بود
بنای این مدنیت بباد میدادم
اگر بدست من از چرخ اختیاری بود

*جمال قدم فرموده اند: «هر امری که از اعتدال تجاوز نماید از طراز اثر محروم مشاهده شود مثلاً حریت و تمدن و امثال آن مع آن که بقبول اهل معرفت فائز است اگر از حد اعتدال تجاوز نماید سبب و علت ضرر گردد.»

*

جناب سیاوش راستانی مطالعه خوبی را در مورد تاریخچه درس اخلاق و تربیت امری در ایران آغاز کرده اند انشاءالله دنباله این پژوهش را تا فوز به نتیجه خواهند گرفت توفیق ایشان را در این راه خواستاریم.

پیام بهائی شماره ۱۲۰

که بجزیره گوادلوپ بروند و ملاحظه کنند که چه یاران نازنینی در آن صفحات بسیار زیبا زندگی میکنند و خالصانه به خدمت امر جمال اقدس ابهی قائمند.

نامه ایشان مورخ ۱۹۸۹/۷/۴ است. انشاالله پاسخ سوال ایشان مستقیماً بحضورشان عرض میشود.

*

جناب منوچهر حجازی این اشعار را بسبک شعرای ترکستانی زیر عنوان جبر و اختیار سروده و در اولین انجمن ادب و هنر لندگ خوانده اند:

جبر و اختیار

من به ندانم سخن سرودن باید
یا همه در عزلت و غنودن باید
من به ندانم که رمز دفتر هستی
بر چه سیاقی توان کشودن باید
همچو هژبری بعمق بیشه تحقیق
یا همه خسبیدن و خمودن باید
خشت بدریا زدن نه کار حکیمان
چاره ز رنگ عبث زدودن باید
تکیه بر این وادی دودر نتوان کرد
نکته ز پیر خرد شنودن باید
جمعی گویند ز ندگی همه جبر است
قومی بر اختیار بودن باید
گفت مرا نقطه آن معلوم اول
دانش دین مرترا فزودن باید
نی همه در اختیار و نی همه در جبر
بین الامرین را ستودن باید
کوکب دریت علم باشد و ایمان

جدید مقام اعلی اعانه تقدیم نمایند. محفل روحانی ملی بمساعدت محفل محلی طهران و لجنه های آن در طی سیزده جلسه عموم احبای طهران را از غنی و فقیر دعوت نموده و با آنکه موسم زمستان و سرمای بی سابقه حکمران و برف سنگینی بروی زمین بود یاران رحمانی و به نهایت وله و سرور از راه های دور و غالباً بدون وسائل نقلیه در شبهای تیره و تاریک بحظیره القدس میآمدند و در تمام جلسات سیزده گانه پس از تلاوت مناجات و پیام منیع مبارک شرحی راجع به عظمت و اهمیت بنای جدید مقام مقدس اعلی بیان میشد و دوستان عزیز تبرعات خویش را از نقد و جنس یعنی گوشواره و سینه ریز و انگشتر و ساعت و سائر زینت آلات تقدیم میکردند. این اعانات کریمانه بحدی کثیر و وفیر بود که پس از چندی تلگراف مبارک رسید که دیگر اعانه جمع نشود و بزازان فرموده بودند که احبای ایران در صف اول اعانه دهندگان قرار داشتند و آنقدر تبرع کردند که من تلگراف کردم دیگر بس است.» و در دنباله آن چنین افزوده اند:

ایا روزی میآید که از ساحت بیت العدل اعظم الهی که به نص صریح ام الكتاب ملهم به الهامات الهیه و مصدر تشریع احکام غیرمنصوصه اند تلگرافی برسد که دیگر اعانه برای ساختمان و بنای فخیم قموس کرمل جمع آوری نشود و عجالتاً کافیهست.

بفرموده حضرت نعیم اعلی الله مقامه:

بهتر از این دگر تجارت نیست

این تجارت در آن خسارت نیست

*

جناب فرهاد ارباب ضمن استفسار از منابع و مأخذ مسابقه صد سوالی، از احباء دعوت کرده اند

گوی از این فرقدان ربودن باید
 کج مرو ای آرزوی خام سبکسر
 دانی کشت امل درودن بساید
 عمر بغفلت برفت و کار نکردیم
 سینه به ناخن همی شخودن باید
 من به ندانم قبول کن که ندانم
 راه ز چاهم مرا نمودن بساید
 *

جناب ف. م. الهام در رابطه با انتشار کتاب
 گلزار عشق مجموعه اشعار جناب عبدی چنین
 نوشته اند:

"گلزار عشق" مجموعه جدید اشعار بهاءالدین
 محمد عبدی شاعر بزرگ و جاودانی قرن ما است.
 گلزار عشق این اثر جذاب و لطیف روح و جان
 هر صاحب دلی را جلا و صفا می بخشد و
 احساسات روحانی و انجذابات وجدانی را در هر
 خواننده بیدار مینماید.
 این است غزل جناب فرمند مقبلین الهام در
 باره "گلزار عشق":

"گلزار عشق"

ای تو زجان و زدل بسوده خریدار عشق
 یوسف افسانه گشت راهی بازار عشق
 شاهد شیرین کلام، نموده لبریز جام
 تا ز صفا سرکند، نغمه ای از تار عشق
 شاعر شور آفرین، عرضه کند چون کتاب
 هر ورقش دفترست، حاوی اسرار عشق
 عارف و عامی از او، فیض طلب میکنند
 عزیز دوران شود، هر آنکه شد زار عشق
 بنده آن عاشقم، که از گرانمایگی

هستیش از دست رفت، بر سر پیکار عد
 زنده پاینده اوست، در دل هر دایره
 نمیرد آن دل که هست، نقطه پرگار عشق
 روز درخشان شود، تیره ز دود حسد
 شام سیه روشن از، پرتو انوار عشق
 مایه شوق جهان، شفا دهد درد جان
 بیشتر از این مباش، خسته و بیمار عشق
 به وصل جانان رسد، عاقبت از روی صدق
 هر که چون "عبدی" بود، طالب دیدار عشق
 بلبل طبع حزین، گشته ز نو نغمه ساز
 ره مگر الهام باز، برده به "گلزار عشق"

* کتاب گلزار عشق توسط "مؤسسه انتشارات
 آثار بهائی بزبان فارسی" در آلمان منتشر شده
 است. این اثر کرانقدر را از کتابفروشی بهائی محل
 خود و یا مستقیماً از نشانی زیر اکتیاع فرمائید:
 Baha'i Verlag
 6238 Hofheim- Langenhain
 W. Germany
 قیمت با هزینه پست ۲۱ مارک میباشد.

*

از جناب فرمند مقبلین (الهام) همچنین این
 اشعار نغز را زیر عنوان "ضیافت" دریافت
 کرده ایم:
 امشب این خانه نور بارانست
 شب دیدار خیل یارانست
 وز تلاش مکرر هر روز
 جسم فرسوده، طالب جانست
 چشم از بهر دیدن احباب
 به یمین و یسار حیرانست
 کوش فارغ زهر هیاهوئی

پیام بهائی شماره ۱۲۰

بی خبر نیست مرا کز غم دنیا چونی
فکر لاهوت فتاده بسـرت مجنونی
لیک رحمی به تن غـمـزده خویش نما
*

جناب کمال الدین رئوفی اشعاری را از مرحوم
غلامرضا روحانی علیه رضوان الله تحت عنوان
زیارت بیت مبارک شیراز فرستاده اند که عیناً نقل
میشود:

صبحدم از ارض طاء عازم شدم با صد نیاز
شام گشتم وارد شیراز علیین طراز
در هوا دیدم زمین کوئی که طی الارض بود
ورنه اینسان طی نمیشد این ره دور دراز
گشت از شیراز حاصل بس نشاط و بس سرور
راه ها طی شد بشادی که نشیب و که فراز
وہ چه شیرازی سراسر غیرت باغ ارم

نغمه های بلبلانش روح بخش و دلنواز
نخلها و سروها در بوستان و در چمن
غنچه ها بر شاخه ها بشکفته نرگس از پیاز
اینچنین شهری ندیدم با فضای جان فزا
تا نمودم در جهان آفرینش دیده باز
هم ز فردوس برین دارد هوایش برتری
هم ز گلزار جنان دارد فضایش امتیاز

وہ چه شیرازی که باشد شهر عشق و شهر گل
وہ چه شیرازی که بخشد انبساط و اهتران
مسجدی در آن بنا گشته ز آثار وکیل
منبری دارد که باشد بوسه گاه اهل راز
در مزار حافظ و آرامگاه سعدیش
از ادب هر کس که بنهد پای گردد سرفراز
بوسه ها بر تربت درگاه بیت الله زدم
روی بر آن آستان سودم بصد عجز و نیاز
وہ چه بیتی ربّ اعلی را در آن اظهار امر

تشنه نغمه های جانانست
بعد آن مرده های جانپرور
روح پر نشئه، قلب شادانست
در پناه تبادل افکار
حل هرگونه مشکل آسانست
هست چون مشورت نشان بلوغ
مبتنی بر رضای یزدانست
ید بخشنده صغیر و کبیر
در تبرع چو ابر نیسانست
شکر درگاه کبریائی را
شوق خدمت اگر فراوانست
نوزده را ضیافتی دارم
در شبستان من چراغانست
میزبانی کند به جان (الهام)
در حریمی که دوست مهمانست
*

خانم ثریا رضوانی (روحانی) اشعاری از آثار
مادر خود متصاعد الی الله شمسی خانم رضوانی
که مهاجر مراکش بودند و بعلت بیماری برای معالجه
بالممان رفتند و در همان جا صعود نموده اند تحت
عنوان گفتگوی روح و جسم فرستاده اند که بخشی
از آن ذیلا نقل میشود:

گفتگوی روح

آخر ای جسم بدان از تو برون خواهم رفت
باش تا بینی از این مرحله چون خواهم رفت
یاعیان میروم و یا که نهان خواهم رفت
رخت بر بندم و از ملک جهان خواهم رفت
که زجان سیر شدم آرزو این است مرا
دانم ای روح که تو غمـزده و محزونی
خبرم هست که ماتم زده و دل خونی

هست زان گلشن گلی هم در حقیقت هم مجاز
گشت روحانی زمانی مستفیض از صحبتش
تا ابد بر در که محمود او باشد ایاز

*

شماره ۵۹ پیام محبوب نشر نروژ رسید
دوستان را بمطالعه آن خصوصاً شرح حال جناب
دکتر جیاکری ایادی متصاعد امرالله و یادی از مبلغ
امراهی پرفسور پری تام سینک نخستین مؤمن
از جامعه سیک دعوت میکنم.

وہ چه بیتی بر جهان ابواب رحمت کرده باز
وہ چه بیتی از ازل بیت المقدس طائفش
وہ چه بیتی تا ابد ساجد بر آن بیت حجاز
هر کسی را کہ بدرگاهش بود اذن دخول
گر ملک مایل شود نائل نگردد بی جواز
در حریم آن حرم ارواح پاک مرسلین
انبیا بر آستانش در نیاز و در نماز
وہ چه بیتی خادمش ز افنان اعلی سدره است
کہ به پیش قامتش پست است صدها سروناز
حضرت افنان ابوالقاسم کہ در فضل و کمال

در حاشیہ خبرها

ملاحظہ آمارهای محافل روحانی ملی
بهائی مبین آن است کہ در اکثر ممالک بین ۳ تا ۵
نفر از اعضای آن محافل از جمله اماء الرحمن
هستند در حالیکہ اخبار جهانی از جوامع غیر
بهائی حاکی از آن است کہ با وجود بسیج وسیع
بین المللی طی ۱۵ سال گذشته تعداد زنانی کہ
عضویت پارلمانهای ممالک مختلفہ را دارند نہ فقط
فزونی نگرفته بلکه رو بکاهش رفته. چنان کہ در
سال ۱۹۸۸ از صد و سی مملکت کہ مورد بررسی
اتحادیہ بین المجالس قرار گرفته اند فقط کمتر از
۱۵ درصد اعضای مجالس مذکور از زنان
بوده اند.

در ژوئن ۱۹۸۹ این میزان بہ حدود ۱۳
درصد کاهش پذیرفته و در مقابل ۳۱۰۵۵ عضو
مرد پارلمان ها تعداد زنان فقط ۳۹۳۷ نفر بوده
است و باین ترتیب وضع زنان در دنیا بہ وضع قبل
از سنہ ۱۹۷۵ کہ در آن دہہ جهانی زن اعلام شد
رجعت نموده است.

اطلاعیه:

استمداد از احبای عزیز ایرانی

مقیم ممالک غربیہ

برای تدوین و انتشار مجموعه آثار شهید
مجید جناب بدیع الله فرید اعلی الہ مقامہ بہ
آخرین اثر ایشان، رسالہ "عرفان و عمل" کہ در
اواخر سال ۱۳۵۷ شمسی در طهران منتشر شد،
احتیاج است.

از احبای عزیزی کہ این رسالہ را در
اختیار دارند استدعا میشود یک نسخہ چاپی یا
فتوکپی آن را بہ دفتر مجلہ "پیام بهائی" یا بہ
نشانی ذیل ارسال فرمایند. ہرگاہ نسخہ چاپی
را ارسال فرمودند ظرف یک ہفتہ پس از فتوکپی
عیناً جہت شما عودت دادہ خواهد شد.

از قبل مراتب امتنان خود را تقدیم میدارد.

آدرس:

PLK.010095B
61-DARMSTADT
W- GERMANY

51

دسامبر ۱۹۸۹

شهر القول، شهر المسئل، شهر النور ۱۴۶
آذر / دی ۱۳۶۸

۱۰ روز حقوق بشر

۱۲ آغاز ماه شهر المسائل ضیافت نوزده روزه

۳۱ آغاز ماه شهرالشرف ضیافت نوزده روزه

رویدادهای مهم تاریخی

۳ دسامبر ۱۹۸۲ صعود ایادی امرالله جناب پل

هنی در حيفا

۵ دسامبر ۱۹۸۳ عزیمت موکب مبارک حضرت

عبدالبهاء با کشتی سلتیک از نیویورک به لیورپول

انگلیس (۱۹۱۳)

۱۲ دسامبر ۱۸۴۴ ورود حضرت ربّ اعلی و

حضرت قدوس به مکه معظمه

۱۲ دسامبر ۱۸۶۳ ورود حضرت بهاءالله و عائله

مبارکه و همراهان به ادرنه و توقف در آن شهر برای

چهار سال، هشت ماه و بیست و دو روز

۱۳ دسامبر ۱۹۴۶ صعود ایادی امرالله محمد تقی

اصفهانی در مصر

۱۵ دسامبر ۱۹۲۲ ورود حضرت شوقی ربانی به

ارض اقدس و عهده دار شدن مقام ولایت امرالله.

۲۰ دسامبر ۱۸۴۴ اظهار امر حضرت ربّ اعلی در

مکه معظمه.

۲۰ دسامبر ۱۹۲۰ آغاز ساختمان شرق الانکار

امریکا در ویلمت.

۲۱ دسامبر ۱۸۴۸ عزیمت حضرت بهاءالله از

طهران بمنظور بازگشت به قلعه شیخ طبرسی.

۲۴ دسامبر ۱۹۵۱ حضرت ولی امرالله یاران زیر

را به سمت ایادی امرالله معین فرمودند: سادرلند

ماکسول - میسن ریمی - امیلیا کالینز - ولی الله

ورقا - طراز الله سمندری - علی اکبر فروتن -

هوراس هولی - دورتی بیکر - لروی آیواس - جرج

تاونزند - هرمان کروسمن - یوگو جیاگری.

۲۴ دسامبر ۱۹۸۶ افتتاح ام المعابد قاره هند

مشرق الانکار دهلی نو.

نوامبر ۱۹۸۹

شهر العلم، شهر القدرة، شهر القول ۱۴۶
آبان / آذر ۱۳۶۸

۴ آغاز ماه شهر القدرة ضیافت نوزده روزه.

۱۲ یوم تولّد حضرت بهاءالله جلّ اسمه الاعلی

(۱۸۱۷) تعطیل بهائی.

۲۳ آغاز ماه شهر القول، ضیافت نوزده روزه

۲۶ روز عهد و میثاق.

۲۸ صعود حضرت عبدالبهاء (۱۹۲۱)

رویداد های مهم تاریخی

۴ نوامبر صعود حضرت ولی امرالله (۱۹۵۷)

۱۶ نوامبر ۱۹۸۴ صعود ایادی امرالله جناب

شعاع الله علانی.

۱۷ نوامبر ۱۹۸۵ بیت العدل اعظم اعلان

فرمودند که بقایای جسد میرزا محمد قلی برادر

وفا دار حضرت بهاءالله به گلستان جاوید بهائی

انتقال داده شد.

۱۸ نوامبر ۱۹۶۰ صعود ایادی امرالله کلارا

دان در سیدنی.

۱۹ نوامبر ۱۹۸۰ صعود ایادی امرالله جناب

ابوالقاسم فیضی در حيفا.

۲۲ نوامبر ۱۹۲۵ صعود ایادی امرالله جناب

دکتر اسلمنت در حيفا.

۲۶ نوامبر ۱۹۷۲ بیت العدل اعظم قانون

اساسی خود را تصویب فرمودند.

۲۷ نوامبر ۱۸۴۸ ورود حضرت قدوس به قلعه

شیخ طبرسی.

۲۷ نوامبر ۱۹۲۹ آغاز تعمیرات قصر بهجی.